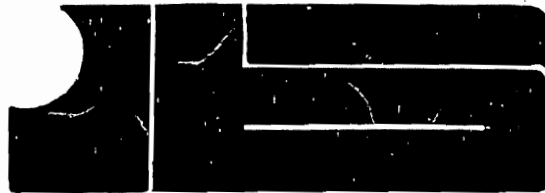


نابود باد امپریالیسم جهانی
بسرکردگی امپریالیسم امریکا
وپایگاه داخلیش

کارگران وزحمتکشان
متحد شوید



سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

A-R

۱۸ صفحه

سه شنبه ۲۷ فروردین ماه ۱۳۶۴

سال هفتم - شماره ۱۸۹



مرگ بر جنگ

مرگ بر رژیم جمهوری اسلامی

در آخرین روزهای سال ۶۳ و آغاز سال نو و در پی شکست مفتضحانه عملیات بدر که منجر به کشته شدن حدود ۳۰ هزار نفر و زخمی و معلول شدن دهها هزار تن شد، جنگ ایران و عراق وارد مرحله جدیدی گردید که همراه با تشدید و گسترش بمباران و کلوله باران شهرها و مناطق مسکونی و طرف بود. به این ترتیب بهار امسال با خون هزاران تن از کارگران و زحمتکشان، این قربانیان واقعی نظم سرمایه داری خونین تر گذشت. پیام خمینی به مناسبت آغاز سال نو، با سفیر کلوله های ضد هوایی و خاموشی مطلق تهران و بسیاری از شهرهای ایران توأم گردید و یکبار دیگر سیاهی و تپاهی متبلور در جمهوری اسلامی راهب نمایش نهاد. بقیه در صفحه ۲



اطلاعیه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

خطاب به کارگران سراسر ایران

ضرورت آمادگی کارگران برای رویارویی مستقیم

بار رژیم جمهوری اسلامی در روز اول ماه مه ۱۱ اردیبهشت در صفحه ۳

بررسی اشکال مبارزاتی کارگران وزحمتکشان در سال ۶۳

انقلاب با کامیابی استوار و روندی رشد یابنده به پیش می رود و هر روز کمی گذر در سر آگاهی کارگران وزحمتکشان افزوده میگردد. واقعیتی است انکارناپذیر که توده های کارگران مبارزات و اعتراضات خود که از قیام بهمن تاکنون مدام - علی رغم افت و خیزهایی در ادامه یافته، بر تجارب مبارزاتی خویش افزود و اندک و اندک بیش از ۶ سال حاکمیت جمهوری اسلامی، بصاهیت این حکومت ارتجاعی و نقش فریبکارانه مذهب و تقی گشته اند اگر منحنی مبارزات کارگران و دیگر زحمتکشان را از قیام تاکنون مورد بررسی قرار دهیم، خواهیم دید که پس از یک دوره افت موقت که پس از سرکوبهای بقیه در صفحه ۴

بیانیه کمیته مرکزی

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

در هشدار به "راه کارگر"

در صفحه ۸

در این شماره:

○ پیام همبستگی...

○ یادداشت های سیاسی

○ ضمیمه خبری

انقلاب یا رفرم؟ - ۲ -

خلاصه ای از بخش اول: گفتیم که اگر پاسخ نیروهای کمونیست به انقلاب قریب الوقوع و قدرت سیاسی در چهارچوب های عمومی و مشترک خود قرار بگیرد و از تفاوت های غیر اساسی صرف نظر شود، سه نظریه یا جریان متمایز از یکدیگر می شود. این سه جریان یا

نظریه اصلی عبارتند از:

۱- نظریه انقلاب بورژوازی موقتیکه با تمامی مشخصه های اساسی کلاسیک آن که قدرت سیاسی متناظر بان دولت بورژوازی از نوع معمول است و بورژوازی و خرد - بورژوازی باید سکان رهبری انقلاب و دولت بقیه در صفحه ۶

نامه یک رفیق به نشریه کار

"من این گل را میشناسم
من این گل را....."

در صفحه ۱۱

جدائی

حزب دمکرات کوردستان ایران از
شورای ملی مقاومت

در صفحه ۱۳

روز اول ماه مه را به روز تظاهرات علیه جنگ ارتجاعی تبدیل کنیم!

موتک بر جنگ ،

موتک بر رژیم جمهوری اسلامی

در حالیکه جفد شوم جماران ، فرهاد جنگ و کشتار و ویرانی سرد آده بود و برتد اوم این جنگ ارتجاعی پای می فشرد مردم بجان آند ه از جنگ و سیاستهای جنایتکارانه رژیم ، شعار مرکزبرخیمینی جنگطلب و رژیم منحوسش را زمره میکردند .

اسال عیدی جمهوری اسلامی بهکارگران و زحمتکشان تنهاتشد بد فقر و فلاکت و افزایش مالیاتهای بود بلکه بمباران و ویرانی و کشتار و درد بد ری نیز بود . بمبارانهای که از جانب دولت های ایران و عراق بر علیه تود ه های زحمتکش و طرف بکار گرفته شد تا هریک نفوق خود را بر دیگری به اثبات رساند و از بن بست کتونی جنگ رهائی یابد . چیزی که اساسا برای تود ه های و طرف خاصه هیچگونه منافعی در بر نداشت و تنهاکشتار هرچه بیشتر تود ه های محروم و زحمتکش ، خانمخوابی و آوارگی آنان را تکون به ارمغان آورد ه است . زیرا که بریکند گان جنگ از آنچنان امکانات رفاهی و امنیتی برخوردار هستند که هیچگونه نصد مای متوجه انسان نگرند .

بیش از ده هفته بمباران و گلوله باران شهرهای ایران هرچند اجساد شتفند گان جنگ را به قربانیان مناطق مسکونی پیوند زد و تحت پوشش قرار داد و یکی از اهداف رژیم ر اتحاد و ی تامین کرد ، اما اعتراضات و تظاهرات تود های در مناطق بمباران شده ، رژیم را بشدت زیر ضرب برد . حتی علیه غم اد عاهای تسخیر امیز رفسنجانی و دیگر سرد مد اران رژیم که مدعی شدند مردم در پیر نقاط ایران در متن جنگ قرار گرفتند و از بمبارانها استقبال کردند و برخلاف انتظار آنان که بقول خود شان در های بهشت گشوده شده تا عاشقان شهادت یشتابند ، مردم با شعارهای کوبنده ضد جنگ ، مشت محکم برد هان این یاوه گویند کوبیدند .

تظاهرات مردم بروجرده ، خرم آباد ، باختران ، تبریز و تهران و دستگیری های گسترده ای که در شهرستانهای تهران صورت گرفت که تنهاد در منطقه ولت آباد به ۱۰۰ نفر میرسد (علیه غم تشد بد چوپلیسی و محاصر سرخ مناطق بمباران شده) آنچنان زمینه های بروز یک طغیان تود های را فراهم آورد که نه تنها سرد مد اران رژیم که امیرالیسم جهانی سرکرد کی امیرالیسم امیریکار نیز شست و حشمت زد ه گرد تا آنجا که سرانجام در بزرگ سازمان ملل راهای ایران و عراق نمود ، وظیفه او بازگرداندن اوضاع به وضعیت قبل از بمبارانهای معنی همان وضعیت نه جنگ و نه صلح بود .

امیرالیستنهان آنجا به اد امه جنگ راغبند که اساسا رژیم جمهوری اسلامی مورد تهدید قرار نگیرد و از آنجا که بمبارانها این خطر را

به همراه داشت یعنی زمینه های گسترش یک جنبش عظیم ضد جنگ و ضد رژیم را فراهم میکرد آنها بمتکاپو افتادند تا از این خطر جلوگیری کنند . رژیم جمهوری اسلامی به دلیل سرکوبهای فاشیستی خود نه تنها مناسب ترین رژیم در شرایط کتونی بیسرای امیرالیستنهان محسوب می شود بلکه از آنجا که ایران هم اکنون یکی از مبره های زحیم امیرالیستی بیجان ستفد است ه هرگونه درگرتونی و تحول انقلابی در ایران ، می تواند در کشور دیگر این پیمان یعنی ترکیه و پاکستان را نیز یاد شواریسانی مواجه سازد و منافع امیریکار را در این درگشورد ست نشاند ه باخطر جدی روبرو نماید . پس بی جهست نیست که تشد بد اعتراضات تود ه ای بر علیه جنگ و سیاستهای ارتجاعی رژیم بویژه در جریان گسترش رکه زمینه برآمدی گسترده ر اقراهم میکرد این چنین امیرالیستنهان به وحشت افکند ه است . چرا که سقوط جمهوری اسلامی نغتنها منافع مستقیم امیرالیسم جهانی را در خطر قرار مید هد بلکه در رژیم دیکتاتوری پاکستان و ترکیه رانیز که از قبل جمهوری اخلاعی علاوه بر منافع اقتصادی ، موقعیت استراتژیک مناسبتری یافته اند نیز در خطر قرار مید هد . امیرالیسم جهانی با اد امه جنگ در حد " نه جنگونه صلح " و تا آنجا که توازن قوای طرفین حفظ شود مخالفتی ند ارد زیرا علاوه بر منافع کلانی که از فروش تسلیحات به جیب میزند ، اینرا نیز دریافته است که حیات این رژیم باند اوم جنگ گره خورده است اما یک جنگ محدود . جمهوری اسلامی تا سامانیهایی موجود را در سایه جنگ توجیه می کند ، کشتارها ، سرکوب ها و اعد اسها را در لولای جنگ می پوشاند و جیب سرمایه داران د داخلی و بین المللی هم از قبل برکات جنگ انباشته میکرد و صنایع تسلیحاتی هم به کار پر رونق خود تد اوم می بخشند . تا زمانی که این جنگ خطرسقوط رژیم را به همراه نداشت باشد برای آنان قابل تابید و ستایش است و در تصور آن می د مند . پس بی جهست نیست که در بزرگ سازمان ملل هیچگونه پیشنهاد خاصی برای صلح ند ارد و نمی تواند داشته باشد و تنها برای " تبادل نظر " و ارائه رهنمود های امیرالیستی مینی براد امه جنگ فرسایشی و وضعیت نه جنگ و نه صلح با ایران و عراق میاید و بلافاصله نیز وضع بحالت مورد نظر ر میاید . اگر تا کتون مساله جنگ و اد امه آن بمشابه نقطه قوت رژیم و عاملی جهت حفظ موجودیت آن بود و اکنون بصورت نقطه ضعف و آسیب پذیر جمهوری اسلامی در آمده است . اینرا بسیاری از رهبران رژیم دریافته اند و اختلافات درونی رژیم بر سر اد امه با قطع جنگ نیز از همین زاویه پیروز گرد ه است . بن بست کی رژیم در آن گرفتار آمده است نه در پایان یافتن جنگ و نه در اد امه آن که تنها و تنها در سرنگونی رژیم قابل در هم شکستین است . مردم از جنبش و مصائب آن بمتوده آمد ه اند . حتی اگر تشد بد

بمبارانها نیز بوقوع نمی پیوست ، روند اینجبار از جنگ بسرعت نصح می گرفت . اما وقایع نجه اول فروردین تنها بسرعت آن افزود ه است رابطه تد اوم جنگ و موجودیت رژیم برای کارگران و زحمتکشان کاملا روشن و ملموس گشته است . آنها بخوبی دریافته اند که این رژیم بد ون جنگ نمی تواند بمعیات خود اد امه دهد . امروز کریملا فرد اقدس و یوز د دیگر منطقه دیگری و هیچ پایانی هم بران تصور نیست . بی جهست نیست که با درک این واقعیت تود ه ها از رژیم طلب صلح نمی کنند . آنها شعارهای ضد جنگ را به درستی و مبتنی برواقعیت بشعار سرگبر خمینی و رژیم منحوسش پیوند زد ه اند و اینرا در اعتراضات و تظاهرات ضد جنگ تا کتون بخوبی نشان داد ه اند و به همین جهت جنگ ارتجاعی میورد تا به آسیب پذیرترین نقطه و پاشنه آشیل رژیم تبدیل شود . از اینرو شعار " برای برقراری صلح در موکراتیک ، جنگ ارتجاعی را بکنند د داخلی بر علیه رژیم تبدیل کنیم " که از سوی سازمان مامطرح شده است ، اصولی ترین شعار ممکن بوده و اکنون ضمن آن به اید ه ملموس تود ه ها تبدیل شده است . اکنون آنچه باید برای تود ه های بجان آمده از جنگ از سوی پیشاهنگ انقلابی مطرح شود چگونگی پیشبرد و تحقق این شعار است گقیم تود ه ها در شعارها و تظاهرات خود . شعارهای ضد جنگ را خود بطور غریزی بنا شعار سرنگونی رژیم گره زد ه اند . حال باید گفت این سرنگونی چگونه و بجهت صورت میگیرد . باید مساله سازماندهی تود ه ها ، کمیته های مخفی اعتصاب و هسته های مقاومت وسیعاً تبلیغ شده و عملاً نیز در جهت تشکیل آن اقدام گردد و پایبای انالترناتیو انقلابی یعنی شوراهای کارگران و زحمتکشان و جمهوری در موکراتیک خلق بمشابه مظهر حاکمیت کارگران و زحمتکشان وسیعاً تبلیغ گردد . باید این واقعیت را که تنها صلح در موکراتیک توسط چنین حاکمیتی قابل تحقق است برای تود ه ها آشکار گردد . باید یسه آنان تفهیم شود که اساساً " جنگ جز متفکیک ناید بر جامعه طبقاتی است . جنگ اد امه سیاست طبقات حاکم است و بنفع طبقات حاکم بریامی شود تا تود ه ها را سرکوب کنند و جیبهای خود را از قبل آن سر نمایند . پس سازمانی که نظام طبقاتی حاکم باشد جنگ اد امه خواهد یافت چه جمهوری اسلامی باشد و چه یک رژیم سرمایه داری دیکتاتور و قربانیان آن نیز در حال کارگران و زحمتکشان هستند . از اینرو باید شعار سرنگونی رژیم باشعار جایگزینی رژیم انقلابی کاملاً مترادف گردد . باید با این اید ه که رژیم برود حال هرچه شد و هرکه آمد بهتر است ، مبارزه کرد و ماهیت تمامی رژیم های سرمایه داری را که اکنون در رنگ و لعابهای گوناگون خود را پوشاند ه اند برای تود ه ها روشن نمود . باید شعار مرکز بر بقیه د صفحه ۱۵

برای برقراری صلح دموکراتیک ، جنگ ارتجاعی را به جنگ داخلی علیه رژیم تبدیل کنیم

ضرورت آمادگی کارگران برای رویارویی مستقیم با رژیم جمهوری اسلامی در روز اول ماه مه ۱۱ اردیبهشت

اطلاعیه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران خطاب به کارگران سراسر ایران

روزها همانند تمام کارگران سراسر جهان تعطیل اعلام کنند و با شعارهایی بپردازند جنگ ارتجاعی و ولت‌های ایران و عراق که یکی از ثمرات نکبت بار و فجایع جدید به نظام سرمایه داری است دست بمظاهرات خیابانی بزنند.

کارگران سراسر ایران! قدرت، توان، آگاهی و همبستگی طبقاتی خود را در مبارزه علیه نظام سرمایه داری، در تعطیل روز اول ماه مه و برپایی تظاهرات ضد جنگ به نمایش بگذارید. به مرتجعین حاکم برایان نشان دهید که در برابر قدرت و اراده لایزال کارگران، هیچ نیروی را یاری مقاومت و برابری نیست. کلیه هواداران سازمان از هم اکنون باید تبلیغات وسیع و پراکنده‌ای را در میان کارگران برای خواباندن تمام کارخانه‌ها و موسسات در روز اول ماه مه این روز همبستگی جهانی کارگران آغاز کنند و با نوشتن شعار و خوشی تراکت و اعلامیه در کلیه مراکز و محلات کارگری، عموم کارگران ایران را به تعطیل کردن این روز و تظاهرات ضد جنگ فراخوانند.

کارگران سراسر ایران! روز اول ماه مه ۱۱ اردیبهشت در حال فرارسیدن است. در این روز میلیون‌ها کارگر در سراسر جهان، بیداری و آگاهی طبقاتی و همبستگی مبارزاتی شان را علیه نظام سرمایه داری، ستم و استثمار جشن میگیرند.

کارگران سراسر جهان در این روز، دست از کار می‌کشند، تولید را در هم می‌شکافند می‌سازند و قدرت و توان عظیم خود را در برابر دنیای سرمایه، دنیای ستم و استثمار و بندگی به نمایش می‌گذارند و علیه مرتجعین سراسر جهان نشان میدهند که دوران حکومت آنها به پایان رسیده است.

طبقه کارگر ایران نیز بعنوان یک گردان از ارتش جهانی طبقه کارگر، باید از هم اکنون خود را برای برگزاری هرچه باشکوهتر این روز تاریخی آماده کند.

رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی این بارزترین تجلی بنمیری‌های نظام سرمایه داری، که ابتدائی‌ترین حقوق انسانی را نیز از عموم توده‌های زحمتکش مردم ایران سلب نمود و طبقه کارگر را از حقوق صنفی و سیاسی خود محروم نموده است حتی تعطیلی روز اول ماه مه، این دستاورد مبارزاتی کارگران را ملغی نموده و سال گذشته از کارگران ایران خواست که بر سر کار حاضر شوند. اما سال کارگران ایران از هم اکنون باید خود را برای رویارویی مستقیم با رژیم جمهوری اسلامی در این روز آماده کنند. کارگران ایران باید این روز را به عرصه قدرت نشانی خود علیه سرمایه داری و رژیم پاسدار متناقض آنها تبدیل کنند. کارگران سراسر ایران باید در روز اول ماه مه در سراسر ایران، دست از کار بکشند، تولید را متوقف سازند، این

روز ششم فروردین ماه، سازمان ما طی یک اطلاعیه، از کارگران سراسر ایران خواست که با نزدیک شدن روز اول ماه مه، روز همبستگی کارگران سراسر جهان در مبارزه علیه نظام سرمایه داری ستم و استثمار، از هم اکنون خود را برای رویارویی مستقیم و آشکار با رژیم جمهوری اسلامی، این رژیم پاسدار سرمایه که طی بیش از ۶ سال حکومت جابرانه و ستمگرانه خود بیست و نه در تشدید و خامت شرایط زندگی کارگران و زحمتکشان ایران افزود، است، اکنون جامعه را بسوی فلاکت و از هم گسیختگی کامل و توده مردم را به فقر و خانه خرابی سوق داده است. این رژیم استثمار کارگران ایران را تشدید نموده و بر خامت وضعیت طبقه کارگر افزود، سطح بسیار نازل دستمزدهای کارگران، وضعیت اسفبار شرایط و امنیت محیط کار، اردوی چند میلیونی بیگاران، همه و همه بازگوکننده وضعیت و شرایط اسفبار زندگی کارگران ایران است.

رژیم جمهوری اسلامی، در عرصه سیاسی نیز مانند عرصه‌های اقتصادی ستمگری سیاسی نسبت به توده‌های مردم را که حتی حقوق مدنی را نیز از آنها سلب کرده است به اوج خود رسانده است و با استقرار دیکتاتوری عربان و عساکر گسیخته، ابتدائی‌ترین حقوق و آزادی‌های سیاسی را از عموم توده‌های مردم سلب نموده است. این رژیم با ادامه سیاستهای ارتجاعی خود، جنگی ارتجاعی را شعله‌ور ساخته است که تمامی مصائب و فشارهای ناشی از آن بردوش کارگران و زحمتکشان قرار گرفته است. این رژیم، سیاستهای ارتجاعی خود را تا حد انجا پیش برده است که حتی تعطیلی روز اول ماه مه را که دولت‌های ارتجاعی بورژوازی سراسر جهان نیز مجبور به پذیرش آن شده‌اند ملغی نموده و سال گذشته از کارگران ایران خواست که در روز اول ماه مه نیز بر سر کار خود حاضر شوند. هرچند کارگران ایران سال گذشته در برابر این سیاست ارتجاعی رژیم ایستادگی نمودند و به شیوه‌های مختلف به مقابله با این تصمیم دولت حامی سرمایه‌داران برخاستند اما از آنجائیکه کارگران آمادگی لازم را برای مقابله متحد و متشکل نداشتند، اعتراضات کارگران نتوانست رژیم را به عقب نشینی قطعی وادار کند. اما امسال کارگران باید از هم اکنون خود را آماده کنند که این روز را همانند کارگران سراسر جهان به نشان اتحاد و همبستگی جهانی کارگران علیه سرمایه تعطیل کنند زیرا آمادگی کارگران و عزم آنها به مقابله با رژیم در اول ماه

زنده باد همبستگی و بیداری طبقاتی کارگران سراسر جهان
زنده باد عزم و اراده لایزال کارگران
بمسرونگونی نظام طبقاتی سرمایه داری و استقرار سوسیالیسم
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
ششم فروردین ماه ۱۳۶۴

بهانه جنگ، استثمار کارگران تشدید شده است. با افزایش مداوم قیمت کالاها و نیازهای روزمره، مزد های واقعی، بیوسته کاهش یافته است. با ارضای مالیات‌ها و هزینه‌های مختلف جنگی بردوش کارگران است. کارگران را به زور به جبهه‌های جنگ می‌برند و میلیون‌ها تن از کارگران در زمره آوارگان جنگی اند. طبقه کارگر که فشار اصلی این جنگ ارتجاعی بردوش اوست باید اکنون که در امانه اعتراضات علیه جنگ وسعت یافته است و در تعدادی از شهرهای ایران تظاهرات ضد جنگ صورت گرفته است، در روز اول ماه مه، با برپایی تظاهرات ضد جنگ، پیشگامی خود را در تمامی عرصه‌های مبارزه نشان دهد. در این میان وظیفه بسیار سنگین تری بردوش کارگران پیشرو و کلیه اعضا و بقیه رصفحه ۱۶

مه، یا رژیم را از هم اکنون به عقب نشینی وادار خواهد کرد و آنرا مجبور خواهد ساخت که از قبل، این روز را تعطیل اعلام کند. در این حالت کارگران در مبارزه خود علیه رژیم به پیروزی بزرگی نائل آمده‌اند، یا اینکه رژیم همچنان از به رسمیت شناختن تعطیلی روز اول ماه مه سر باز خواهد زد که در این حالت نیز کارگران با حرکت متشکل، متحد و آگاهانه، از رفتن به سر کار سر باز میزنند و رژیم را در حین نبرد به عقب نشینی وادار می‌کنند. در هر دو حالت طبقه کارگر ایران قدرت توان و عزم و اراده خود را به مبارزه علیه نظام سرمایه داری به نمایش گذاشته است. علاوه بر این کارگران ایران آن طبقه‌ای هستند که جنگ ارتجاعی دولت‌های ایران و عراق بیشترین فشار را بر آنها وارد آورده است به

از جنگ ارتجاعی زحمتکشان بیزارند دو میلیون آواره، نان، مسکن ندارند

پروسی اشکال مبارزاتی...

خونین سال ۱۳۶۰ در مبارزات تود مه‌اید آمد ، از سال ۱۳۶۱ مدام بررشد مبارزات تود مه‌افزوده شده است. بویژه اخبار گزارشات دریافت شده در طول سال ۶۳ حاکی از آنست که يك ارتقا کیفی در مبارزات تود مه‌ای زحمتکش بویژه کارگران مشاهده می‌شود که این خود ناشی از رشد آگاهی آنانست و ما در این جمع بندی سعی خواهیم کرد که این امر را بعینه نشان دهیم. هرچند که این جمع بندی قطعا بیانگر و منعکس کننده کل مبارزات تود مه و میزان اخبار گزارشات دریافت شده بدلیل شرایط سرکوب و خفقان حاکم و محدودیت نسبی ارتباطات - جهت ممانعت از ضربات - شامل کل حرکات و اعتراضات کارگران و زحمتکشان نیست، اما در عین حال می‌تواند تا حدودی مارا در جریان سیر رشد یابنده و متحول این مبارزات قرار دهد.

این مقاله در دو قسمت جداگانه تنظیم شده است: بخش اول مقاله که در این شماره به چاپ رسیده به ذهنیت کارگران و زحمتکشان نسبت به مسائل گوناگون از جمله جنگ، گرانی و مشکلات اقتصادی و رابطه آن با حاکمیت، برخورد تود مه‌ها به انتخابات فرمانی رژیم و ذهنیت آنان نسبت به مذهب اختصاص دارد. همچنین در این بخش ذهنیت کارگران نسبت به مشکلات و مسائل مشخص کارگری بصورتیکه کشیده شده است. در بخش دوم مقاله که در شماره آینده نشریه به چاپ خواهد رسید روند مبارزات کارگران و زحمتکشان در سال ۶۳ و وضعیت کنونی، خواسته‌های کارگران و زحمتکشان و شیوه‌های سرکوب رژیم و نتایج مبارزات آنان و بالاخره مقایسه مبارزات کارگران و زحمتکشان در سال ۶۳ مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۱- ذهنیت کارگران و زحمتکشان نسبت به جنگ ارتجاعی:
ماهیت جنگ ارتجاعی ایران و عراق اکنون دیگر برکنترکسی پوشیده مانده است. این جنگ که جز فقر و فلاکت، آوارگی بی خانمانی و کشتار، حاصلی برای تود مه‌ها نداشته است، اگر در تقاضای برای رژیم عامل مهمی در جهت تحکیم موقعیتش بود، اکنون به نقطه بویژه و آسیب پذیر رژیم تبدیل شده است. بویژه طی سال ۶۳ در روزهای آخر سال که بهارینهای هوایی تشدید گردید، اعتراضات علنی و آشکار تود مه‌ها را برانگیخت. اکنون دیگر جز مزدوران و جیره خواران، این جنگ موافق ندارد و حتی در صفوف مزدوران از جمله ر اوطنین " طرح لبیک یا خمینی" مخالفت با شرکت در جنگ مشاهده می‌شود و همچنین در موارد بسیاری فرار از جبهه‌ها در سطوح افسران و بسیجی‌ها نیز دیده شده است. اکنون تود مه‌ها به رستی دریافت اند که

تنه‌راه پایان بخشیدن به جنگ و سرنگونی رژیم است و در تمامی محافل کارگری و تود مه‌ای صحبت از بی‌حاصلی جنگ و قدرت طلبی رژیم... است. نمونه گزارشات که در رژیم می‌آید خود بیانگر رسوائی رژیم و نفرت تود مه‌ها از این جنگ ارتجاعی است: از نمونه گزارشات کارگری از پرورشور کارگران به هفته جنگ آغاز می‌کنیم:

در سالگرد آغاز جنگ، رژیم سعی کرد با فریب و نیرنگ کارگران را به کار بیشتر وادارد تا بخشی از مخارج جنگ ارتجاعی اش را از این راه و تحت عنوان روز " نبرد اقتصادی" جبران نماید اما این سیاست رژیم با شکست نسبی مواجه گردید و برنامه‌های تبلیغی رژیم با بی‌اعتنائی کارگران روبرو شد. " بیسکویت گرجی" - بمناسبت هفته جنگ يك روز بعنوان " نبرد اقتصادی" نام گذاری شد و گفتند باید يك روز کار برای جبهه بکنید. کارگری می‌گفت عجب نبرد اقتصادی ای من که اصلا گمکی به اینها نمی‌کنم که جنگ را ادامه بدن. آنها می‌گویند برای حفظ اسلام جنگی اما برای حفظ خود شون می‌جنگن: در این کارخانه در مجموع کارگران جنگ را عامل فلاکت خود می‌بینند (بجز چند مورد) اما تعدادی از کارگران فراتر رفته و پایان جنگ را با سرنگونی رژیم پیوند می‌زنند.

" جامکو" - بمناسبت هفته جنگ از کارگران خواستند يك روز حقوق خوابگاه به جبهه بدهند که از کل ۵۰ کارگر ۳۰ کارمند این شرکت تنها ۲ نفر که ۶ نفر انجمن اسلامی و بقیه سحافه کار بودند حاضر به پرداخت این پول شدند. همچنین انجمن اسلامی از کارگران خواست که تولید را بالا ببرند که نتیجه منفی بود یعنی امروز تولید تغییر می‌نکرد.

تولید ارو - روز شششنبه ۷/۳ بخشنامه‌ای مربوط به اضافه کاری اجباری یکساعته به نفع جنگ و نماز وحدت از بلندگو خوانده شد. همه با نارضایتی و ترس از اخراج به یکساعت اضافه کاری تن دادند اما در نماز وحدت شرکت نکردند.

" در کارخانه مسلسل سازی بمناسبت هفته جنگ، شخصی بنام حجت الاسلام انصاری سخنرانی کرد. این سخنرانی با آبروریزی سخنران و عدم شرکت کارگران مواجه شد. "نیروگاه بزرگ اصفهان - انجمن اسلامی در پیواری رایفید کرده بود تا شعار بنویسد اما قبل از آن این شعار بردیوارنقش بست: جنگ جنگ، کو پیروزی، ظلم و ستم امروزی شده بیشتر از دیروزی."

بانشدند بیماران‌های هوایی در آخرین روزهای سال ۶۳ اعتراضات نسبت به جنگ شدت بیشتری گرفت بطوریکه علاوه بر شهرستان‌های چون بروجرد و تبریز که تظاهرات ضد جنگ برپا شد و در خرم‌آباد نیز چنین حرکتی در شرف شکل‌گیری بود که بلافاصله ۳۰ نفر دستگیر شدند. همچنین در تهران بهد نبال هر بیماران در کویچه‌ها و

خیابان و در تاکسی و اتوبوس به خمینی و رژیمش بعنوان مسبب جنگ و بیماران‌ها قهقش می‌دادند. در دولت آباد تهران پس از بیماران، مزدوران رژیم طبق معمول در محل اجتماع کرده و شعار جنگ جنگ تا پیروزی سرد اند که مردم زحمتکش میل به انسان حطلمور شد هو یک پاسدار را نقد رکن زدند که به بیمارستان منتقل شد. در دیگر نقاط تهران نیز شعار مرگ بر خمینی جنگ طلب داده شده است. همچنین يك زن زحمتکش ۵۰ ساله می‌گفت: " تا وقتی خمینی رهبر ماست، جنازه بر سر ماست". مخالفت با جنگ ارتجاعی همچنین در تفسخ شعارهای رژیم نیز مشهود می‌گردد بعنوان نمونه در گزارشی آمده است " مردی می‌خواست سوار اتوبوس شود (در جاده) از راننده پرسید مقصد کجاست، راننده گفت کربلا، سواری شوی؟ مسافرین ضمن خنده و تمسخر گفتند اگر مقصد کربلاست ترمز کن تا ما پیاده شویم."

نفرت از جنگ در نفرت از پاسداران مجروح که مهرشکت در جنگ برپیشانی آنها و در نقض عضو تجلی یافته نیز چشم می‌خورد. در صف نانوائی، يك مجروح جنگی که پاسدار بود میخواست نان خارج از نوبت بگیرد، شاطر اعتراض کرد و مردم به حمایتش برخاستند مجروح که پاهایش را از دست داده بود گفت من بخاطر شما پیام را از دست دادم، مردم وشاطر یکصد گفتند غلط کردی... و اما در مورد ادامه جنگ و علل آن يك راننده وانت بار می‌گوید:

"... میدونی آقا چرا جنگ را تمام نمی‌کنند، آخه میترسند همان روز سقوط کنن فکرش را بکن، این جنگ را برای مشغول کردن مردم راه انداختن". مخالفت با جنگ حتی در سطح مزدوران رژیم نیز طی سال ۶۳ ابعاد گسترده تری به خود گرفت و در صفوف مشمولین جنگ و یا مشمولین ناراضی از جنگ که به زور بجبهه‌ها فرستاده شده‌اند نیز موارد بسیاری از فرار از جبهه‌ها مشاهده شده است. بر اساس گزارشات رسیده طی سال گذشته‌ها از زیادگان بیستون کرمانشاه ۴ نفر از سربازان که یکسال از خدمت خود را انجام داده بودند از جبهه گریختند و همچنین چند مورد فرار از جبهه‌ها در منطقه سرپل ذهاب و ایساران مشاهده شده که سربازان پس از رفتن به مرخصی هرگز بازنگشتند. علاوه بر این موارد، گزارشات موثقی مبنی بر خروج زنی یعنی شلیک به خود دریافت شده است و موارد متعددی از بهاریهای روانی و انتظار بهر بیماریهای روانی دیده شده است. همچنین بر طبق گزارشاتی بمنقل از سربازان مستقر در جبهه‌ها جنون، رژیم برای حفظ نیروهایش در این منطقه به حشیش و مواد مخدر متوسل شده است.

تعداد فراریان مشمول سربازی نیز ابعاد فوق العاده گسترده‌ای یافته، بطوریکه رژیم علاوه بر مرد و رخشنامه‌های شداد و غلاظت، گشتبانی را در خیابانها و بقیه رصفحه ۵



پروسی اشکال مبارزاتی کارگران

جاد مها به امر
د سنگیری جوانان فراری از سرپازی اختصاص
داده است.

در رابطه با مخالفت پاسد اران و سیجی
از شرکت در جنبه‌ها نیز گزارشی دریافت
کردیم. طبق یک گزارش: تعدادی
حدود ۱۰۰ تن از مزدوران پاسد اران رژیم در
دیماه استعفا کردند. و از رفتن به جنبه
خودداری نمودند آنها گفته اند د پیکر است
ماهی جهت به جنبه‌ها برویم و کشتن سویم و
بعد از ما زنهایمان را کسرد پیکری صاحب
شود و رژیم هم به آنها گفته است یا باید
به جنبه بروید یا به زندان. گزارش د پیکری
منی بر اینکه تعدادی از پاسد اران در
زندان رشت بازداشت هستند نیز دریافت
کردیم که علت آن مخالفت از شرکت در
جنبه‌ها بوده است. اخیراً کشتن د زبان
سیاه پاسد اران نیز بوجود آمده که وظیفه‌اش
د سنگیری پاسد ارانی است که از جنبه‌ها
فرار کرده و یا به مرخصی آمده و دیگر
بازنگشته اند. علاوه بر این در صفوف بسیجی‌ها
و نیروهای طرح لیبک یا خمینی نیز مخالفت
با شرکت در جنگ مشاهده شده است.

در سال گذشته در طرح لیبک یا خمینی در
شهرکرج ۳۰۰۰ نفر نام نویسی کردند. اما
وقتی از همان تعداد خواسته شد که در مانور
هفته جنگ شرکت کنند تنها ۲۵۰ نفر شرکت
کردند.

در میان حزب اللهی‌ها و طرفداران رژیم
نیز آنجا که منافع مستقیم آنها با خطر می‌افتد
مخالفت‌هایی با جنگ بروز می‌کند: زن
۵۰ ساله‌ای که قبلاً از طرفداران رژیم بود
و اکنون به‌شوش در جنبه است می‌گفت:

میخواهم بروم خیابان و مثل دیوانه‌ها هر چه
در دل دارم فریاد بزنم بگویم این پیر سنگ
(منظور خمینی) از جوانهای مردم چه
میخواهد. اصلاً جنگ برای چه بود و چرا
تمام نمی‌کند.

بهررو ابعاد مخالفت با جنگ از جاعی
به اشکال مختلف بروز می‌کند و این مخالفت‌ها
در زمینه‌های مختلف مشاهده می‌شود.

۲- ذهنیت کارگران و زحمتکشان نسبت به
صائب و مشکلات اقتصادی اجتماعی و
رابطه آن با حاکمیت:

در سال ۶۳ گرانی و فلاکت عمومی ابعاد
فاجعه‌انگیزتری بخود گرفت. بویژه مساله
گرانی و کمبود ما محتاج عمومی و افزایش مالیات‌ها
توده‌های مردم را شدیداً تحت فشار قرار
داده است. در هرصورت و در هرکجه و -
خیابان و یا در کارخانه و اداره و محله
صحت از مشکلات اقتصادی و صیب آن
رژیم جمهوری اسلامی است. طی سال ۶۳
نارضایتی عمومی از رژیم و مصائبی که به پیکر
آورده است بیش از پیش شکل علنی و آشکار
بمخود گرفته بود و چون سرکوب و ارباب کفر
می‌توانست مانع از آن گردد که توده‌ها رژیم

را زیر ضرب نبرند.
اکنون در کارخانجات، ادارات، مدارس
و... شعار مرگ بر خمینی، مرگ بر
سرمایه‌دار، مرگ بر دیکتاتور، مرگ بر
جنایتکار هرروزه نقش می‌بندد و هنوز این
شعارها پاک نشده شعارهای جدید اضافه
می‌گردد. خشم و نفرت از رژیم حاکم را به
بهترین وجه می‌توان در صحبت‌های کارگران
و زحمتکشان جستجو کرد:

کارگر ۳ ساله کارخانه پارس متال با ۱۰
سال سابقه کار می‌گوید:
" پنج صبح از خانه بیرون میروم و شب
برمیگردم تمام این زحمات را بخاطر رفاه
خانواده می‌کنم. اما وقتی به‌خانه می‌آیم
می‌بینم بچه‌ها ته‌های گرم بدون برق و وسائل
رفاهی هرگز ام گوشه‌ای نرگز ندارند و یاد رخاک
غوطه‌ورند مگر با روزی ۱۴۰ تومان یک‌خانواده
چند نفری بهتر از این می‌شود؟ "

راننده شرکت واحد می‌گوید: " حالا که
دولت بهمانی رسه منم خوب کار نمی‌کنم."
کارگر برق کار وزارت نیرو: " ۷ سرعائله
دارم و ۱۵ سال سابقه کار هنوز ۳۶۰۰
تومان میگیرم حتی با اضافه‌کاری زندگیم
نمی‌گذرد و کارکرد یک‌برق کار ضمن تاسیس
حرفهای همکار می‌گوید: " وقتی توکلسی
این فلان... وزیر کار بود هرکسی میرفت
شکایت کارفرما را بکنند یا از اضافه حقوق صحبت
می‌کرد بلافاصله او را زندانی میکرد تا جائیه
۸۳ نفر از کارگران در زیر زمین وزارت کار
زندانی بودند. البته وقتی جریان برملا شد
گفتند اوقصر نیست معاونش این کار را کرده
در گزارش د پیکری آمده: " دیماه خیابان
تهران - نوس - در یکی از مساجد ماهی برای
فروش آورده بودند و مردم برای خرید ماهی
صف بسته بودند. کارکنان مسجد ناگهان
در را بستند و گفتند د ساعت د پیکرهای توزیع
می‌شود. اما زنهای طرف در مسجد هجوم
بردند و گفتند شما می‌خواهید ماهی‌ها را جدا
کنید و در رشتها برای خودتان بردارید باید
همین حالا ماهی بدهید. سرانجام با
پیکری توانستند ماهی را بگیرند. " در صف
پیراخت عوارض مالیاتی، اسفند ماه، یوسف
آباد تهران - مردم ۴ ساله می‌گوید:

" این بی‌شرفها پدر ملت را در آوردند.
همشون دزد سرگردنه هستند. فقط بلدند
مردم را بچاپند. " در همین حین آخوندی که
خارج از نوبت می‌خواست کارش را راه بیندازد
با معانیت مردم مجبور شد در نوبت بماند به
دنبال آن فحش به رژیم و عوام‌لش شدت بیشتر
گرفت.

" رباط کریم شهریار - واقعه در جاده ساره
- دیماه - یکی از پیشموران جز که مغازه
شیشه‌بری دارد، در اعتراض به احضار سه
مالیاتی به شهر اری آمد. شهرد اریسیجی
۲۱ ساله به او گفت بدهی شما ۴ هزار تومان
است که ۲۵ هزار تومان بابت عوارض مالیاتی
و ۱۵ هزار تومان عوارض شهر اری است.
مشاجر لفظی بالا گرفت پیشه‌ور گفت: من جقدر
درآمد دارم که اینهمه باید برداخت کنم.
من شیشه را به قیمت دولتی می‌خرم و به قیمت
دولتی می‌فروشم. سرانجام عبال رژیم

د حالت کردند و به‌شیشه بر حمله شده و با
قند ای تفنگ‌ها و اضراب ساخته، مردم هوسها
تجمع کرده و به کمک زدن اعتراض کردند و
پاسد اران سرپا - پیشه‌ور زحمتکش را بردند.
در این میان حتی حزب اللهی‌های داخل
جمعیت از حرکت وحشیانه پاسد اران اظهار
تنفرد کردند و می‌گفتند اینها بروی اسلام را
بردند.

در ارتباط با مسائل گوناگون اقتصادی که
رژیم به آنها مختلف تود ما را تحت فشار
قرار میدهد مساله خودگفتی و دستگاههای
مختلف دولتی و از این طریق فشارهای اقتصادی
که هرچه بیشتر بر توده‌ها تحمیل میگردد،
شدت نفرت آنان را از رژیم برانگیخته است:
یک کارگر صنعتی می‌گوید:
" د پیکر آبروشی برای اینها نمانده، همه
چیز از دستشان دررفته و نمی‌توانند تورم
را مهار کنند و همه مالیات‌ها را از ما کارگران
میگیرند که ۶۳/۵ تومان حقوق ماست و از
بازاری و سرمایه‌داران نمی‌گیرند و یکی د پیکر
از کارگران می‌گوید: " تازه می‌خواهند شرکت
واحد را بصورت تعاونی در آورند و ولایت را
گرا نتر کنند و از سال د پیکر د ما را باید به
آموزش و پرورش هم پول بدهند. سپس در
این جمع کارگری صحبت به‌گرائی کشید و کارگری
می‌گفت: دولت گوشت کیلویی ۷۰ تومان را
رسماً جایگزین گوشت گوسفینی کرده که آنرا هم
ماهی یکبار به‌هز نفرد ۳۰۰ گرم میداد."

در همین رابطه مردمی ۳۲ ساله در اتوبوس
می‌گوید: " د بخرخته شدم، د یک‌انصاف
خرد شده، احمق‌تر آدم تحمل دارم مثلاً
پنج کیلو گوشت گرفتیم اشاره به گوشتی که
خریدیم ۲ کیلویش چربی تازه این گوشت
ازاد کیلویی ۷۰ تومنه که خود شون می‌دن،
د ولتیه."

کارگری که توسط فرزندش نامه‌ای دریافت
کرده بود که همه رسه کمک کنند می‌گفت: " به
بچه‌ها گفتیم که ۱۰ تومان کافی است بگوین
۱۰ تومان یک ششم حقوق پدر من است و
باید تازه ۱۰۰ تومان روی حقوقم بلد دارم تا
بتوانیم یک کیلو گوشت دولتی بخریم."

لازم به توضیح است که اخیراً رژیم به
دلیل کمبود بودجه و نابسامانی اقتصادی،
فرمهایی چاپی به اولیا، دانش‌آموزان (اعم
از راهنمایی و ابتدائی) در مدارس و خانواده‌ها
خواسته است که برای کمک به تعمیرات
مدارس و ساختن بوفه و آزمایشگاه، میزان
کمک خود را در فرمها نوشته و به همراه پول
ارسال دارند. از شیوه‌های د پیکری که
آموزش و پرورش برای جی‌اول زحمتکشان به‌کار
میگیرد یختن این نذری است که موادش توسط
دانش‌آموزان آورده می‌شود و آش پخته شده
نیز به همین دانش‌آموزان فروخته می‌شود!

مساله گرانی کلیه اقشار زحمتکش را تحت
شدیدترین فشارهای اقتصادی قرار داده
است. علاوه بر کارگران که د ستمزد ناچیزی
دارند کارمندان نیز شدت در رنجند.
کارمندی می‌گوید: " حقوق کارمندی به
اندازه گرا به خانه هم نیست چه برسد به
اینکه آدم بخواهد از آن برای خورد و خوراک
استفاده کند. " و بالاخره يك راننده

بقیه د صفحه ۹

انقلاب یا ...

ادراست داشته باشند .

۲- نظریه انقلاب سوسیالیستی که قدرت سیاسی متناظر با آن به تیمه تحت رهبری منحصر فرد و بلا منافاه پرولتاریاست . این برهان لیکن از آنرا که اکنون امکان تحقق انقلاب سوسیالیستی وجود ندارد .
۳- نظریه انقلاب دموکراتیک توده‌ای که قدرت سیاسی منطبق با آن نه " دولت و نه شورای از نوع معمول " بلکه " دولتی شورائی از نوع کمون " می باشد که شرط تحقق پیروزی- شد آنان رهبری پرولتاریا برانقلاب و دولت است .

اما واقعیت این است که فقط دو خط شی اساساً متفاوت با یکدیگر وجود دارد ، خط مشی رفرمیستی (ویا پاسیفیستی) و خط شی انقلابی . دو پاسخ نخستین به انقلاب و قدرت سیاسی معرفت خط مشی رفرمیستی (و یا پاسیفیستی) هستند . دو جریان نخست در عین حالیکه از یکدیگر تمایز دارند ، اما برهم منطبق اند . این دو جریان از یکدیگر تمایزند زیرا که نتایج نظری هر یک که مبتنی بر اسلوب تبیین انقلاب است ، نه تنها از یکدیگر مجزا است بلکه ظاهرآ در دو قطب کاملاً متضاد قرار دارد . وجه تمایز امعدنا در اعلام نتایج باقی میماند . در حالیکه هر دو جریان هم در ممتد لوژی تبیین انقلاب و هم از نقطه نظر سیاست عملی که در تحلیل نهایی منبعت از ممتد لوژی آنها است بر یکدیگر منطبق اند . این دو جریان اپورتونیستی که به ترتیب جلوه‌هایی از اپورتونیسم راست و چپ در رین جنبش کمونیستی را نشان میدهند در رگیه مسائل گرهی و اساسی انقلاب ، عملاً اثر یکسانی بر انقلاب و مبارزه طبقاتی پرولتاریا باقی می گذارند . اولی " رفرم " را رسماً خط شی خود قرار داده و توده‌ها را به تبعیت از بورژوازی فرا می خواند و دومی " رفرم " را در زورق انقلاب سوسیالیستی اینده می پیچد و با سیاستی پاسیفیستی در جنبش کمونی ، توده‌ها را به پیروچم بورژوازی هدایت می کند .

حال ابتدا بنیانهای نظری و سیاستهای اپورتونیسم راست را بررسی می کنیم :

تکامل گرائی تدریجی طیف گسترده و رنگارنگ نیروهای تشکیل دهنده اپورتونیسم راست در جنبش کمونیستی ایران به انحاء مختلف و اداه گوناگون اتحاد با بورژوازی و پذیرش برنامه بورژوا- رفرمیستی و اتخاذ تاکتیکهایی متناسب با آنرا تبلیغ می کند و جهت گیری اساسی خود را در رهبری یک انقلاب بورژوا- دموکراتیک به رهبری بورژوازی و خرد بورژوازی قرار داده است . طیف اپورتونیسم راست - در شرایط کمونی- عدنا- از مارکسیست- لیبرالهای درون شورای ملی مقاومت ، نیروهای به اصطلاح مارکسیستی حول و حوش آن و دواطلبین شرمگین و یا مردد ورود به این اتحاد به رفرمیستی و ... تشکیل می شود . هرچند

نیروهایی که معرف اپورتونیسم راست هستند از گمنامی مختلف اند و جایگاههای متفاوتی در درون طیف اپورتونیسم راست در ارا هستند و هرچند که این نیروها با دلائل و اشکال گوناگون وظایف اساسی انقلاب و قدرت سیاسی را فرموله می کنند ، لیکن در اساس از یک ممتد لوژی پیروی می کنند و نتایج علمی اساساً یکسانی را در پیشبرد جنبش بیار می آورند .

گوناگونی ادله اشکال ارائه و فرمولبندی اینان از انقلاب و قدرت سیاسی و حتی تضاد های ریز و درشت این نیروها با یکدیگر که صرف نظر از ظاهر خشن و پرخاشگرانه آن ماهیتاً در یک چهارچوب قرار دارد ، نباید بر سر مساله اساسی مورد بحث ، سایه افکند . ممتد لوژی اپورتونیسم راست در تبیین انقلاب و قدرت سیاسی مبتنی است بر ممتد لوژی تحولات اجتماعی آرام و تدریجی و بدین جهت اکونومیسم و " تئوری مراحل " پلخانفی ، زیر بنای سیاستهای علمی میگرد که نتایج حاصله از آن عبارتست از : تبلیغ رفرم بجای انقلاب ، پذیرش رهبری بورژوازی و خرد بورژوازی بر اساس رعایت " نوبت " ، تنه یار مکررین انقلاب و پیش گرفتن سیاست کسب پیروزیهای جزئی بر مبنای تاکتیک پیرویه . بر ایند عملکرد این جنبش ، جلوگیری از ایجاد صف مستقل طبقه کارگر و انحلال طلبی است . از ممتد لوژی این جریان که مبتنی بر سیر تحولات اجتماعی آرام و تدریجی است آغاز می کنیم .

همه اصل و فصل مشترک ممتد لوژی نیروهای اپورتونیسم راست را تکامل گرائی تدریجی تشکیل میدهد . این جریان ، جنبش لیبرالیستی تحولات اجتماعی را با پوشش مارکسیستی تعیین میکند و بدین طریق رسالت خود را در خدمت گذاری به بورژوازی بر سر بسط مناسبات سرمایه داری انجام میدهد . در نگاه اکونومیستی این جریان مبتنی است بر قوانین عام و سیر تاریخی - جهانی تحولات و درانهای تاریخی و انطباق قدری و کلیشه ای قوانین عام حاکم بر تبیدیل یک دوران تاریخی به دوران دیگری به موازات مشخص و در اینجا به جامعه ایران . مارکسیسم در تبیین سیر تحولات اجتماعی ، اثبات نموده است که در درانهای مختلف تاریخی از یکدیگر قابل تمایزند ، که هیچ دورانی ابدی نیست ، که تحول از یک دوران به دوران دیگر اجتناب ناپذیر است . مارکس متذکر می شود که اشکال اجتماعی تولید هرچه باشند ، کارگران و وسائل تولید همواره عوامل آن باقی می مانند ، و لسی اینان تا هنگامیکه از یکدیگر جدا هستند فقط بالقوه عامل تولید بشمار میروند . برای اینکه تولیدی انجام گیرد لازم است که این عوامل بهم پیوند یابند . نوع و شیوه ویژه ای که بوسیله آن این پیوند انجام میگردد تمیز دهنده دوران های مختلفه اقتصادی ساخت اجتماعی است (گای پیتال جلد ۲) . ایدئولوگهای بورژوازی که نظام سرمایه داری را در رانی بی لغز و ابادی جامیزند و به این ترتیب توده‌ها را به تسلیم شدن به نظم موجود " لاپتغیر " فرامی خوانند و به تدریج در مقابل ارتقاء مبارزه طبقاتی پرولتاریا و تبیین ماتریالیسم تاریخی از جوامع عرصه راتنگ یافتند . برخی از این ایدئولوگها

بمنظور انطباق با شرایط جدید مبارزه طبقاتی ، به رفرمها و تعدیلاتی در دیدگاه بورژوازی نسبت به جوامع بشری پرداختند . از مارکس " آکاد میسین " تجلیل بعمل آمد و دورانهای مختلفه اقتصادی ساخت اجتماعی " به رسمیت شناخته شد .

مارکس در رتزه های بیوست لود ویک فویر باخ گفته بود که " فلاسفه تنها جهان را بشیوه های گوناگون تعبیر کرده اند و حال آنکه مقصود تغییر دادن است .

در اینجا نیز این ایدئولوگها آنجا که " تعبیر " در درانهای مختلفه اقتصادی - ساخت اجتماعی مطرح است می توانیستند نه تنها " مارکسیست " باشند ، و بدون آنکه از این " مارکسیست بودن " سرمایه داری و چهار نقصانی کرد و و با خطر بیافتند ، بلکه به این طریق با مارکسیسمی که جذابیت اجتماعی یافته و رهنمون مبارزه طبقاتی پرولتاریا بر علیه بورژوازی گشته است ، نه فقط از پیرون بلکه از درون نیز به مصاف برخیزند ، مارکسیسم " آکادمیک " را تجلیل کنند و مارکسیسم انقلابی را بکنند . به شیوه های " تعبیر " لیبرالیستی از مارکسیسم ارج نهند و بر آنچه که مربوط به " تغییر دادن " است خط بطلان بکشند .

اما تصدیق موجودیت دورانهای مختلف اقتصادی - اجتماعی و تبیدیل یک دوران به دوران دیگر ، الزاماً بعد نیال خود مساله " تغییر " یعنی چگونگی تبیدیل یک دوران به دوران دیگر مطرح می سازد . برای مارکسیسم لیبرالی مساله این است که چگونه تبیدیل یک انقلابی در آن استحاله یابد . ممتد لوژی تکامل آرام و تدریجی یک دوران به دوران دیگر که عیناً برای هر جامعه بکار برده می شود ، بلکه طلبیده می شود تا انقلاب - و نه البته هر انقلابی - ضرورت تاریخی خود را از دست بدهد . و البته این امر نیز در پوشش مارکسیسم و با استناد به مارکس " آکادمیسین " انجام می یابد . مارکس در نوشته های خود به کرات نقش نیروهای مولد در تحولات اجتماعی را نشان داده است و انقلابات اجتماعی را نتیجه ناگزیر تضاد بین مناسبات تولیدی و نیروهای مولد اجتماعی ارزیابی کرده است . بعنوان مثال مارکس در نامه ای به پاول واسیلو- بیچ آنفک در سال ۱۸۴۶ می نویسد : " فرم های اقتصادی که در درونشان ، انسانها - تولید ، مصرف و مبادله می نمایند فرمهای تاریخی و گذرا هستند . با بدست آوردن نیروهای مولد جدید ، انسانها نظام تولیدشان را تغییر داده و با تغییر نظام تولیدی ، تمام روابط اقتصادی ، که صرفاً روابط مناسباتی با یک نظام تولیدی مشخص هستند تغییر می یابند " . تحریف لیبرالی مارکسیسم ظاهراً نقطه قوت خود را با استناد به مارکس یافته است . رشد نیروهای مولد (که برخی از نیروهای جریان اپورتونیسم راست آنرا تا حد رشد ابزار تولید تقلیل میدهند) آن شاه کلیدی می شود که توسط آن انقلاب در هر جامعه مشخصی را می توان تبیین کرد . اپورتونیسم راست ضمن و وظایف اساسی انقلاب در هر جامعه ای را با شاه کلید خود - بقیه در صفحه ۷

انقلاب یا ...

در وجه رشد نیروهای مولده - بلافاصله می تواند ارزیابی کند. اپورتونیزم راست بر مارکس تکیه می کند که گفته بود "هیچ یک از فراماسیونهای اجتماعی ناپدید نمی شوند مگر آنکه همه امکانات خود را برای رشد کلیه نیروهای تولیدشان به اتمام رسانده باشند". پس از دیدگاه اپورتونیزم راست ابتدا باید در هر جامعه، فراماسیون اجتماعی موجود را گسترش و تعمیق داد تا بارشده نیروهای مولده، آن جامعه برای تحول به فراماسیون جدید آماده شود. اپورتونیزم راست آنچه را که مارکس در مورد سیر تحولات و توالی فراماسیونهای اجتماعی از دیدگاه تاریخی - جهانی مطرح نموده است، به هر جامعه مشخصه تسری می دهد. از این دیدگاه اکنون باید سرمایه داری در هر جامعه مشخصه کاملاً بسط یابد تا امکانات تحول به سوسیالیسم از طریق رشد نیروهای مولده درون همان جامعه مشخص فراهم شود.

این دیدگاه، قوانین عام را که جهت عمومی تکامل و تحول یک فراماسیون اجتماعی به فراماسیون نوین و توالی مراحل آنرا بطور کلی مشخص می سازد، به قوانین خاص تحولات اجتماعی در یک جامعه مشخص کاملاً منطبق می نماید. در طول حیات مارکسیسم اکونومیسم، بر پایه چنین دیدگاهی که در پشت آن مواضع نیروهای غیرپرولتاریه نهفته است، همواره با استناد به قوانین عام تحولات اجتماعی به اشکال گوناگون خود رایا سازی کرده و در جنبش انقلابی طبقه کارگر اخلاص نموده است. گرایش مسلط برانترناسیونال دوز که بعلاوه توسعه صلح آمیز سرمایه داری در آن زمان موجودیت خود را توجیه میکرد (بر این چنین بینش اکونومیستی استوار بود و کاتولسکی پس از ارتداد کامل خود از مارکسیسم، به تعمیق همین بینش پرداخت. در روسیه، مارکسیست های قانونی، اکونومیستها و منشویکها همین بینش را در بین کارگران تبلیغ میکردند و آنان را به دست شستن از انقلاب فرامی خواندند و اکنون در اینجا نیز مدافعین انقلاب بورژوا - مومکراتیک و اتحاد با بورژوازی برای بسط سرمایه داری و رشد نیروهای مولده، همین بینش را به پیش می کشند.

تحریف لیبرالی از مارکسیسم بمنظور خارج کردن سرمایه داری از زمره طبقات مبارزه طبقاتی مدفن پرولتاریا بصورت گرفته و من گیدر. این تحریف که اکونومیسم را بجای ماتریالیسم اریخی می نشاند، مارکسیسم را به بعد پذیرش بیرونی انتقال میدهد و تعدیل می کند. اما برخورد مارکس، انگلس و لنین به جوامع شخص، مبارزه طبقاتی شخص و انقلابات شخص به روشنی بینش متفاوت آنان را از اکونومیستها نشان میدهد. نه مارکس و نه انگلس قوانین عام تکامل اجتماعی را که خود وضع نمودند بصورت کلیشه ای و قدرگرایانه انقلابات اروپا در سالهای ۵۰ - ۱۹۴۸ لایدی و ۱۸۷۱ پاریس تسری ندادند.



مارکس در آثاری همچون "مبارزه طبقاتی در فرانسه"، "هیچ هم بر پروموتی بنا پارت" و "جنگ داخلی در فرانسه"، از شرایط مشخص موجود اجتماعی آغاز می کند و با توجه به روند مبارزه طبقاتی، صف بندی طبقات و توان بالقوه و نیز بالفعل طبقات و تضار اجتماعی به تحلیل "انقلاب" می پردازد و تاکنیک کمونیستها را بر این اساس پیشنهاد می کند. انگلس نیز در تحلیل خود از انقلاب آلمان که در یک سلسله مقالات تحت عنوان "انقلاب و ضد انقلاب" منعکس گشته است همین اسلوب را بکار می بندد. لنین و بلشویکها نیز چه در انقلاب ۱۹۰۵ روسیه و پس از آن و چه در سال ۱۹۱۷ هم در سیاستهای عملی و هم در آثاری چون "دو تاکنیک"، "تضای اوریژو" و "دولت و انقلاب" جهان بینی ماهیتاً متفاوت خود را از بینش اکونومیستی منشویکها نشان دادند. حال آنکه اکونومیستها تمامی این انقلابات و تحولات، با بهره گیری از شاه کلید همعنا حاضر خود و با استناد به مارکس، خواهان رشد نیروهای مولده از طریق بسط سرمایه داری به همان شیوه کلاسیک خود بودند و هم خود را بر سر رف و رجوع موانع بسط سرمایه داری و تعدیل "تیزی" های آن گذاشته بودند. مقایسه این مارکسیسم تحریف شده با بینش مارکس در مقابل تحولات هر جامعه مشخص، خود روشنگر عمق تحریف لیبرالی است که در ماتریالیسم تاریخی از سوی اکونومیستها بصورت گرفته است. برای این منظور مافقط به یک نمونه از نگارش مارکس به تحولات اجتماعی اشاره می کنیم. مارکس در نامه ای به هیات تحریریه روزنامه "انجستونیزر اپیکس" در سال ۱۸۷۷ بمقاله آقای ژوکسکی که اظهارات مارکس بیلا مون تحولات روسیه را مورد نقد قرار داده بود پاسخ میدهد. در این پاسخ بجای استناد کلیشه ای به قوانین عام تحولات اجتماعی با توجه به شرایط مشخص روسیه آن زمان و وجود آیشنها (کمون های دهقانی) می نویسد: "من باین نتیجه رسیده ام که اگر روسیه را که از سال ۱۸۶۱ دنبال کرده است ادامه دهد، بهترین موقعیتی را که تاکنون تاریخ در اختیار ملی داشته است از دست داده و دستخوش تمام بخت برگشتگی های سیستم سرمایه داری خواهد شد". این نظر را مارکس زمانسی مطرح ساخته که هنوز سرمایه داری در حال اعتلا بود و به دوران احتضار خود نرسیده بود، یعنی زمانی که اکونومیستها با استناد به مارکس تحریف شده ظاهراً "ذبح بودند که خواهان بسط سرمایه داری در روسیه باشند، اما مارکس در همین نامه ضمن تشریح مختصری از توسعه سرمایه داری در اروپای غربی می نویسد "حال بینیم منقذ من چگونه می تواند این تحلیل تاریخی را در مورد روسیه بکاربرد؟ بطور ساده اینکه اگر روسیه بخواهد همانند و به دنباله روی از اروپای غربی به یک کشور سرمایه داری مبدل شود - که در چند سال اخیر هم در این مسیر مشکلات فراوانی را متحمل شده است - بدون اینکه ابتدا تعدیل قابل توجهی از دهقانان خود را به پرولتاریا تبدیل نکند،

موقعیتی نخواهد داشت. بعد هنگامیکه در گرداب سرمایه داری غرق گردید، همانند سایر ملت های ملعون ملزم به تحمل قوانین بیرحم آن می باشد. همین و بس. ولی برای منقذ من این بسیار کم است. او اصرار دارد که تحلیل تاریخی مرا از شکل گیری سرمایه داری در اروپای غربی، به یک تئوری تاریخی - فلسفی در مورد راه عمومی تحول همه کشورها که بدون توجه به شرایط تاریخی مشخص آنها بوسیله نقد بر تجویز شده است تبدیل نماید، باین منظور که به همراه عظیمترین توسعه نیروهای تولیدی کار اجتماعی، کامل ترین تحول را برای بشر تضمین نماید. وی ادامه میدهد که "کسی با استفاده از یک تئوری تاریخی - فلسفی که ویژگی فوق العاده اش شامل فوق تاریخی بودن آن نیز می شود و بکاربردن آن به عنوان یک شاه کلید، هرگز نمی تواند به هدف برسد".

روسیه بهترین موقعیتی را که تاکنون تاریخ در اختیار ملی گذاشته بود از دست داد. توسعه سرمایه داری کمون های دهقانی را از هم پاشاند. امکان تحولی را که مارکس و نیز انگلس در مورد روسیه میدادند بوقوع نپیوست اما بر سر همین امر و نیز تحولات آتی روسیه دیدگاه اکونومیستی و انقلابی خط و مرز کاملاً متمایز خود را نشان دادند. اکونومیستها (مارکسیستهای قانونی، منشویکها و...) به بسط نظریات لیبرالی پرداخته و خواهان بسط سرمایه داری در روسیه تحت رهبری بورژوازی و از طریق همان راه شناخته شده که اروپای غربی طی کرده بودند. اکونومیستها به تحقق امکان تحولی که مارکس برای روسیه مطرح کرده بود، به تعمیق نظریه اکونومیستی تکامل ضروری سرمایه داری پرداختند. بعنوان مثال وان کول اکونومیست رهبر سوسیال دموکراتهای هلند در گفتگوهایی بین المللی در دوم آگست در اظهار نمود که فرضیه مارکس که بموجب آن بعضی کشورها قادر خواهند بود (حتی اگر محدود هم باشد) در تکامل اقتصادی خویش از مرحله سرمایه داری اجتناب کنند، غیرواقعی از آب درآمد. ملل ابتدائی تنها با به فرجام رساندن این مرحله به تمدن خواهند رسید. از اینرو وظیفه ما جلوگیری از تکامل سرمایه داری - این حلقه ضروری در تاریخ بشری - نیست. بر همین مبنای بود که منشویکها نیز برای تکامل سرمایه داری بشیوه کلاسیک در روسیه، به جنبش کارگری بمثابة نردبان صعود بورژوازی به قدرت سیاسی متکی شدند. حال آنکه بلشویکها به رهبری لنین با توجه به فروپاشی کمون های دهقانی و توسعه سرمایه داری در روسیه که لنین در اثر خود تحت عنوان "توسعه سرمایه داری در روسیه" به تشریح آن پرداخته بود، به این سیاست منشویکی در نخلطیدند که چون انقلاب بورژوا - مومکراتیک در دست قرار دارد، باید بورژوازی رهبری انقلاب و دولت را در دست داشته باشند. برعکس بلشویکها با توجه به شرایط مبارزه طبقاتی و وظایف اساسی انقلاب و توان طبقات مختلف به تدوین نظریه "دیکتاتوری مومکراتیک انقلابی پرولتاریا و دهقانان" پرداختند و بقیه در صفحه ۱۳

بیانیه کمیته مرکزی

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

در هشدار به "راه کارگر"

در رپسی گرایش به راست روز افزون را مکارگر و نزد یکی این جریان به اپوزیسیونهای بورژوازی نظیر "شورای ملی مقاومت" و اپوزیسیونهای خائن اکثریت، اخیراً این جریان در کینه تیزی و تبلیغات ضد فدائی، به طیف بورژوا لیبرالها و پست ناهای لیبرال که یک لحظه از تلاش خصمانه علیه طبقه کارگر ایران و سازمان چریکهای فدائی خلق ایران فروگذار نمی کنند پیوسته است. "راه کارگر" در رپسی موضع گیریهای ضد فدائی چند ماهه اخیر خود، در همراهی با "شورای ملی مقاومت" و باند ضد انقلابی اکثریتی های خائن، طی اطلاعیه ای به تاریخ اول فروردین ماه ۱۳۶۴ با افحاشی و توهمین به سازمان به این موضع گیریها و اقدامات ضد فدائی خود جنبه رسمی بخشیده است و با دفاع از تمام خائنینی که طی چند سال اخیر، باضربه زدن به جنبش طبقه کارگر ایران و سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، از هیچ اقدامی فروگذار نکردند، موضع خصمانه خود را نسبت به سازمان آشکار نمود است. این اقدامات "راه کارگر" نباید انجا پیش رفته است که معنی به پرئرسیهای انقلابی نیز پشت پا زد و بعد فاع آشکار از خائنین برخاسته است. "راه کارگر" اگر اندک سی به پرئرسیهای انقلابی در جنبش پایبند مانده باشد، قطعاً باید بد اندک برخورد های مفرضانه و توأم با افحاشی، در شان یک

سازمان سیاسی نیست. "راه کارگر" اگر اندکی به پرئرسیهای انقلابی در جنبش پایبند مانده باشد، قطعاً باید بد اندک هیچ سازمان سیاسی مجاز نیست فرد خائنی را که در ضربات زمستان سال ۶۲ به سازمان ما، نقض مهمی داشته است و طی اطلاعیه ۲۵ تیر ماه سال ۶۳ خطاب به مکارگران اعضا و هواداران سازمان، از وی بعنوان کبوتر پر قیچی یاد شده و از کلیه نیروهای هوادار سازمان خواسته شده است که اگر چنانچه ارتباطی با فرد مذکور دارند ارتباطات خود را با وی قطع کنند و یا هرگونه اطلاعی در مورد وی دارند، این اطلاعات را فوراً در اختیار سازمان قرار دهند و با وی ارتباط داشته باشد. اما این اطلاعات را در اختیار ما قرارند و حتی دست به تکثیر اوراقی بزند که با جعل کلیشه های نشریات سازمان ماصورت گرفته است.

این اعمال، در حقیقت رواج بی پرئرسی

در جنبش، پشت پا زدن به پرئرسیهای انقلابی و دخالت در امور سازمانهای دیگر است. آیا حقیقتاً "راه کارگر" از ماجرای دو سال پیش مجاهدین و مزدور خائنی که ملعبه دست رهبری مجاهدین شده بود و چیز بی حیثیتی و رسوائی چیزی بیشتر عاید آنها نکرد، درس لازم را نیاموخته است؟ "راه کارگر" قطعاً باید بد اندک در دام توطئه های بورژوازی، خود را گرفتار نکند، دست از هم آوائی با بورژوازی و خائنین به طبقه کارگر علیه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بردارد، کسانی را که از سوی سازمان مابعضون خائن به جنبش معرفی شده اند از صفوف خود طرد کند و هرگونه اطلاعاتی که در مورد ضربات زمستان سال ۶۲ و عنصر خائنی که بمثابة کبوتر پر قیچی در خدمت رژیم قرار گرفته دارد آنرا در اختیار سازمان ماقرارند و از این اعمال و شیوه های غلط و غیر اصولی خود رسماً انتقاد کند.

مادامه که "راه کارگر" از این برخورد های غیر اصولی خود انتقاد نکند، هرگونه مناسبات را با وی قطع می کنیم و از کلیه نیروهای سازمان و هواداران می خواهیم که هرگونه رابطه ای را با این سازمان قطع نمایند.

کمیته مرکزی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
هفتم فروردین ماه ۶۴

پیام همبستگی...

زنان و بیکاران، دانش آموزان، دانشجویان و ساکنین حلبی آباد - ها قاطع ترین مبارزه را علیه دیکتاتوری پینوشه رهبری می نمایند و مردم شیلی در یک پیرویه وقفه ناپذیر مبارزه در موکراتیک - ضد امپریالیستی برای رسیدن به سوسیالیسم می باشند. در وسال پیش در رپسی این مبارزه MDP جنبش در موکراتیک بود های بوجود آمد. MDP شامل حزب کمونیست، مهر، حزب سوسیالیست المیدا، کنگره ۲۴ حزب سوسیالیست، حزب رادیکال، MAPU و ۲۰۰ سازمان اجتماعی در مرکز قبیله سازمان زنان و سازمانهای مسیحی می باشد. اتحاد جیب شیلی در MDP تحت یک برنامه درسی است برای جهانیان. MDP معتقد به بکارگیری تمام اشکال مبارزه نمود های و جنگ علیه دیکتاتوری می باشد. MDP با سازش و مذاکره با دیکتاتوری خط کشی دارد. در مقابل "اتحاد در موکراتیک" الیترناتیسم بورژوازی می باشد و رهبری آن با حزب در موکرات مسیحی که الیترناتیسم رشد یابنده ای برای شیلی نمی تواند باشد. برخلاف اتحاد

در موکراتیک، MDP درود مهار شده و انبده است. MDP در اکتبر ۱۹۸۰ خواهان لغت سراسری گردید. این اعتصاب پیروزمند از سوی "اتحاد در موکراتیک" حمایت نکردید. بدین ترتیب MDP ثابت نمود که توانسته است اعمال اکثریت توده های شیلی را نمایندگی کند و بر این عقیده است که مذاکره با دیکتاتوری وجود ندارد زیرا که آنها باید سرنگون گردند.

اکنون وحشت مردم ایران همانند مردم شیلی از استعمارگران ریخته شد و بیکار دیگر به مبارزه با رژیم خمینی برخاسته اند. اعتصابات اخیر در اصفهان و تهران، روحیه مبارزه - جویانه و قاطعیت مردم ایران را نشان می دهد. آنها علیه سرکوب اقتصادی و شکل های دیگران بیخاسته اند. ماه ۲۰ هزار کارگر و ب این و کارگران دیگری که در همبستگی با آنها برخاسته اند درود می فرستیم ما اعتصابات صنایع دارویی و الکترونیک تهران و کارگران نفت در اصفهان را جشن می گیریم. ما به زنان ایرانی که برای حقوق خود برخاسته اند درود می فرستیم. در تمام این اعتصابات کارگران ایرانی نشان دادند که اتحاد اساسی ترین عامل شکست دشمن

می باشد و این اتحاد انان بود که پاسداران را ناموفق گذاشت و آنها را وارار به عقب نشینی نمود. این قبیل اخبار محرکی است برای مردم ایران که بیکار دیگر بیخاسته و همراه پیشاهنگ انقلابی، پیروزی و مکرسی واقعی را تضمین نمایند.

چنانچه این سالگرد مابرفقای سازمان چریکهای فدائی خلق ایران درود فرستاده و مطمئنیم فد اکاریهای رفقای بخون خفته، بهبودی نیوده است. ما مبارزه را در نیال خواهیم کرد. همانطور که میدانید در شیلی و ایران، پینوشه و خمینی سرنویست سوموز را به نیال خواهند داشت. برای شیلی و ایران انقلابی در موکراتیک و خلقی ما پیروز خواهیم گردید.

زنده باد انترناسیونالیسم پرولتری
زنده باد همبستگی بین المللی
پیروزی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
زنده باد کارگران شیلی و ایران
با مردم، مسلح و متحد ما پیروز خواهیم شد
تنها مبارزه ضامن آزادی ماست
پیروزی از ان ماست

MIR "میر" شیلی ۸ فوریه ۱۹۸۵

مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دمکراسی جدا نیست

بررسی

وانت در مورد رژیم می گوید: "هرچی بد بختی می کشیم از دست این دولت واخوند هاست اولش چه بعد مهاکه بهمانند اند. می گفتند نفت را در خانه های پتان می آوریم؛ روی دریای نفت هستیم ولی از سرمایه لبریم. یک روز از مالیات حرف میزند، یک روز از جنگ، خجالت نمی کشند. آخه از جان مردم چه میخواهند" و راننده تاکسی می گوید: "اینها جیب - هایشان را آنقدر بزرگ داختن که دستشون به تنه آن نرسه که میاد اجیزی بیرون بیارن و بدهند به مردم، گود گرفتن که می بلین و بریزن توش".

در مجموع بی اعتمادی به رژیم و سیاستهایش شدت در تود مهار شد یافته است. آنچنان که هر برنامه ای را که رژیم طرح می کند و هر اقدامی را که به اجرا می گذارد مردم به درستی حیل و تزویری را در آن جستجو می کنند. در این رابطه برخورد مردم با سیگار تیر که جایگزین سیگار بهمین و آزادی شد بسیار جالب توجه بود. اخیراً پس از بحثهای بسیاری که در مجلس در مورد تعویض سیگار بهمین و آزادی و تغییر نام آنها صورت گرفت و اینکه گویا ضد انقلاب نام این دو سیگار را برانگیخته نهاد بود تا بگوید انقلاب ۲۲ بهمین و آزادی دود شده و به هوا میرود، سرانجام این دو سیگار جمع شده و سیگار "تیر" به بازار آمد. مردم وسیعاً و عموماً این سیگار را تحریم کردند صحبتهایی که در مورد آن می شنیدند فوق العاده جالب بود مثلاً "مردم می گفتند دولت این سیگار را آورده تا مارا بکشد. جوانهایمان را یاد رزند ان یاد ر جیبها می کشد و حال می خواهد با سیگار تیر بقیه مردم را نابود کند و یا مثلاً گفته می شد کادر ترسیم شده در ریش بسته سیگار مثل سنگ قبر است و طرح روی پاکت نیز تیری است که دولت می خواهد به قلب مردم بزند در این میان موارد بسیاری از سکنه قلبی بخاطر سیگار تیر بسرعت در میان مردم دهان به دهان می گشت. سرانجام تحریم همجانبه و وسیع مردم و روی آوری آنها به دیگر سیگارها موجب گردید تا مدتی برعکس در خانقاهها و رتلی بیرون ظاهر شده و شایعات ایجاد شده را کار عوامل قاچاق سیگار خارجی قلمداد کند.

۳- زهنیت کارگران و زحمتکشان نسبت به انتخابات فرمایشی رژیم:

برخورد توده ها به انتخابات و تحریم ملی آن، آنچنان چشمگیر بود که حتی سران رژیم ناچار به اعتراف بد آن شدند. ناطق قری وزیر کشور عدم شرکت مردم را مصادف ندن روز انتخابات با تعطیلات پنجشنبه و جمعه و مسافرت آنان ذکر کرد و فرسنگانی - رمصاحبه مطبوعاتی در این زمینه گفت که چون در دور اول گروهها و سازمان های انقلابی شرکت داشته اند گویا مردم برای مقابله با آنان شرکت کردند و اکنون که آنان

حق شرکت ندارند مردم خیالشان راحت است که عمال رژیم بهر حال انتخاب خواهند شد. اما واقعیت این بود که از "امست همیشه در صحنه" خبری نبود و تنها مزدوران و جیره خواران رژیم و تعدادی از مردم که احتیاج به مهرشنا سنامه داشتند یا برای خروج از کشور و یا احتیاجات دیگر در آن شرکت کردند. از آنجا که گزارشات مفصل مربوط به نظر کارگران و زحمتکشان در مورد انتخابات و رضیتهای خبری کار ۱۸۰ و ۱۸۱ به تفصیل آمد از تکرار آن خودداری می کنیم.

۴- استفاده رژیم از مذهب و برخورد توده ها با آن:

مساله استفاده رژیم از مذهب به مثابه عامل فریب و تحمیق توده ها، اکنون بیش از پیش برای کارگران و زحمتکشان آشکار گشته است. برای مردم نه تنها ماهیت حکومت مذهبی جمهوری اسلامی بلکه اساساً ماهیت رژیمهای مذهبی بطور کلی روشن شده است و به جرات می توان گفت که در سطح وسیعی مذهب به زیر سوال رفته است. به نمونه گزارشتی در این زمینه اشاره می کنیم: "پنجاه هلی کوپتر ساز (در جلسه سخنرانی مذهبی که برای خانمها ترتیب داده شده بود و معمولاً هر دو هفته یکبار تشکیل میشود، کمتر کسی به سخنرانی گوش میداد و اگر چه راجع به مسائل مختلف صحبت میکردند یکی از کارگران می گفت: اسلام قبل از انقلاب مثل یک قوطی کنسرو رسته بود که بعد از انقلاب درش باز شد و بوی گندش همجا را گرفت". شاید این جمله سادترین و در عین حال جالب ترین جمله در توصیف ماهیت مذهب باشد. به مورد دیگری از صحبت یک کارگر در این مورد اشاره کنیم:

"ما انقلاب کردیم تا وضعمان خوب شود ولی خمینی می گوید ما برای خریزه انقلاب نذریم ما اسلام می خواهیم. در حالی که ما خواستیم وضعمان بهتر بشه. ما اسلام می خواهیم چکار کنیم، ما میخواهیم شکم گرسنه مان سیر شود....."

"اراک - در یکی از روستاهای اراک بنام "چشمه موشک" در سالگرد مراسم عاشورا عده ای شیاد برنج نداری پخته و به مردم میدادند در حالیکه از جای دیگری برنج پخته شده راه در یک اضافه میکردند چنین وانمود می کردند که گویا معجزه شده و دیگر برنج بطور خود بخودی بر مقدارش اضافه می شود و تمام نمی شود در این میان یک نفر با لباس سفید سوار بر اسب در روز محل توزیع برنج نداری، نزد یک کوه بلندی مرتباً حاضر می شد و محو می گردید که می گفتند او امام حسین است. مردم که از این جریانات متحیر شده بودند بسمت نمایش رفتند. پاسد اراک که اوضاع را بر وفق مراد ندیدند اجباراً امام حسین قلابی را دستگیر کردند و او را در ملاعام شلاق زدند. امام حسین قلابی مرتب فریاد میزد امام حسین را نزنید. پس از این جریان مردم می گفتند مگر اینها (رژیم) خودشان چندین بار امام زمان را در جیبها حاضر

نکرده بودند. پس چرا این یکی را میزنند؟ از دیگر مسائلی که موجب زیر سوال رفتن مذهب و رزق توده ها شده است تغییر احکام اسلامی متناسب با منافع حکام رژیم است. شاید تنها نفعی که رژیم جمهوری اسلامی تاکنون داشته در رهشکستن توهنات مذهبی توده ها بوده است تنها عقب ماندترین آنها هنوز مذهب پایبند هستند. آنها می پاشند و توده های بسیار و دیرنیست که آنها فروریزد.

مسائل مشخص کارگری و نظر کارگران نسبت به آن

۱- زهنیت کارگران نسبت به مساله تولید و شدت یافتن استثمار:
طی سال ۶۳ رژیم بر شدت استثمار در کارخانجات افزود و این امر به اشکال مختلف صورت گرفت. یکی از طرق بکار گرفته شده از سوی رژیم افزایش شدت کار بود که در مقابله با کم کاری گسترده بکار گرفته شد. همچنین رژیم به شیوه های مختلف از پرداخت پاداش و حق بهره وری خودداری کرد و یا میزان آنرا کاهش داد. در گزارشی از تولید ارو در این زمینه آمده است: "مدیریت در جهت افزایش تولید و شدت استثمار اقداماتی کرده است از جمله در برخی بخشها در سرکند ستگاه تعداد کارگر از پنج نفر به چهار نفر رسید هر همچنین مدیریت دستور داده تا ماشینها را سریعتر حرکت آورند. چند دستگاه جدید و اتوماتیک از آلمان غربی خریداری شده که مثلاً در یک بخش بجای ۳ کارگر، ۳ کارگر روی آن کار می کنند و بازه آن هم چند برابر شده است زیرا که سیستم زنجیره ای بکار گرفته شده عملاً کارگران را به کار بیشتر و امیدارد. همچنین در بخش بسته بندی نیز ماشینهای جدیدی بکار افتاده که ۹-۸ برابر ماشین قبلی کار می کند. علیرغم آنکه تولید افزایش یافته و انبارها انباشته از کالا است اما در موقع پرداخت پاداش اضافی تولید، گفته می شود که تولید کم است. کارگری در این رابطه می گفت: اینها حتی اگر ناتوی دهنشون هم برشه باز زمین که اما سود اضافه تولید را بدیوان میرند با افزایش حقوق ۸۶۰۰ تومان".

گزارش دیگری از پارس متال نیز به این مساله اشاره می کند:

"مدیریت برای کاهش تعداد کارگران و فشار هرچه بیشتر بر آنها، خواستار کار بیشتر به گونه ای شد که در شیفت دوم کارکنی بمانند و نفرات کارگران شیفت دوم کم شود که با مخالفت مواجه شد و موضوع منتهی گردید". در همین کارخانه پنج نفر از کارگرانی که به این امر اعتراض کرده بودند اخراج گردیدند. گزارش کارخانه بیسکویت گرجی نیز شدت یافتن استثمار را به بهترین وجهی نشان میدهد: "شدت کار طی سال ۶۳ دو برابر شده است بر سرعت دستگاهها افزود شده و از تعداد کارگران بر روی دستگاهها کاسته شده مثلاً دستگاهی (شماره ۱) که ۹ نفر در رسال ۶۱ رویش کار میکردند در رسال ۶۲ به ۷ نفر رسال ۶۳ به ۶ نفر رسیده است و سرعت آن نیز یک چهارم برابر افزایش یافته، دستگاه شماره ۳ و ۴ و ۵ در رسال ۶۱ روی بقیه در صفحه ۱۰

پروسی اشکال مبارزاتی ...

هرکدام پنج نفر کار میکردند، در سال ۶۲ و ۶۳ به سه نفر تقلیل یافته و سرعت دستگاہها هم دوبرابر شده است. لازم به تذکر است که این امر عمومیت نداشته و در بسیاری از کارخانجات به دلیل نبود مواد اولیه حتی موقتاً تعطیل شده است از آن جمله: "کارخانه فیلور که حدود ۱۰۰۰ نفر کارگر و کارمند دارد بعلت نبود مواد اولیه از تاریخ ۲۲/۱۰/۶۳ تا ۱۱/۱۱/۱۳۶۳ تعطیل شد و طی این مدت تنها حقوق ثابت به کارگران پرداخت گردید. همچنین خبری مبنی بر تعطیل ایران خود رو در اسفند ماه اشتیم که به دلیل کمبود لوازم مونتاژ برای مدتی از کار باز ایستاد. از شیوه‌های دیگری که رژیم برای چپاول کارگران سود می جوید عبارت از اینست که به ازای یک روز غیبت از کار سه روز حقوق کارگران کسر میگردد و در عوض برای پرکاری جایزه میدهند. بکارگرفتن این شیوه بعد ستروزیات صنایع صورت گرفته تا رقابت را در بین کارگران دامن زده و بر شدت استثمار بیفزایند. بعنوان مثال در گزارش تولید ارو آمده: "در تولید ارو کارگرانی که تولید را بالا ببرند یکروز مرخصی با حقوق بعنوان پاداش داده می شود. در ریش ۱۶ به سه کارگر این جایزه داده شد. ترفندهای رژیم برای افزایش شدت کار در بسیاری از کارخانجات با مقاومت و کمکاری مواجه شد مکه نمونه آن کارخانه پرسی گاز و فرش گیلان بوده است. در واقع تمامی ترفندهای رژیم و شیوه های گوناگونی که بکار میگردد تلاشی است برای مقابله با کم کاری که از شیوه های معمول مبارزه کارگران است.

۲- دستمزدها پاداش، حق بهره‌وری: رژیم جمهوری اسلامی بیش از چهار سال است که سطح دستمزدها را ثابت نگه داشته است و این در حالیست که مدام بر شدت تورم افزوده شده و قیمت مایحتاج عمومی به چند برابر رسیده است. اما همین دستمزدها ناچیز کارگران نیز به بهانه های مختلف از آنان کسر شده و یا از پرداخت مزایا خودداری میگردند. از سوی دیگر اجرای طرح طبقه بندی مشاغل که خواست کارگران است یا عملاً به اجراء نرسانده و پادرواحدهائی که پیاده شده در بسیاری از موارد به کاهش دستمزدها کارگران منجر شده است. کارگران اجرای طرح طبقه بندی مشاغل را با افزایش ۳۰ درصد دستمزدها پیشنهاد کرده اند که وزارت صنایع سنگین افزایش ۷٪ دستمزدها را تأیید نموده است. بهر رو یکی از مهمترین خواست های کارگران در سال ۶۳ افزایش دستمزدها بوده است و نارضایتی کارگران از کم دستمزدها و رخصت های آنان به خوبی می توانست در ریافت.

کارگر صنایع دفاع بخش مکانیک: "من چهار هزار تومان حقوق دارم. کرایه خانه میدهم، در تاجیه دارم که به مدرسه میروند این پول به کجای من میرسد؟ و ما

در کارخانه پرسی گاز در مجمع عمومی کارگری میگفت: "من ۲۰۰۰ تومان حقوق میگیرم و ۱۰۰۰ تومان کرایه میدهم نازه اگر بسک کپسول کم شود باید ۱۲۰۰ تومان بدهم از بازار آزاد بخرم. اما شما (مدیریت) کپسولها را به قوم و خویش هایتان میدید هرچه بخواهید...".
راندن و شرکت واحد: "عده ای در شبفیت کاری کنند صبح و عصر، شب ساعت ۹ به خانه میروند اما حقوق بر اساس فیش ۴۰۰ تومان با کسر مالیات و غیره است. قرار بود دستمزد روزانه از ۶۶ تومان به ۱۰۰ تومان برسد که از این چند مخبری شدند و ما را نندگان برای مقابله با این اجحافات عمل می کنند. مثلاً از مسافرین بلیط نمی گیرند".
سرمایه داران برای جلوگیری از افزایش دستمزدها حتی از دادن پایه جدید خودداری می کنند و یا حق بهره‌وری را به میزان تعیین شده نمی پرداختند و یا از دستمزدها ناچیز کارگران می زدند: کارگر کارخانه دیزل تبریز میگوید: "جمعاً ۳۹۰۰ تومان حقوق میگیرم ماهی ۹۰ تومان بخاطر جرئت کم می کنند ۷٪ بیمه و ۶۰ تومان انجمن اسلامی بر میدارند، نمی دانم چرا باید مخارج جنگ را ما بدهیم".
و یا "در کارخانه پارس مثال در بهمن ماه حق بهره‌وری پرداخت شد. برای کارگری کیفیت نداشتند. ۵۰۰ تومان داده شد. کارگری می گفت: کارخانه اسامال ۲ میلیون تومان سود داشته باید خیلی بیشتر از اینها میدادند".
و کارگر دیگری از همین کارخانه می گوید: در قسمت ماکه حدود ۳۰ نفر کار می کنند روزانه دو قطعه اضافی تولید می شود که قیمت هر یک ۲۵۰۰ تومان است. جمعاً می شود ۵۰۰۰ تومان در روز که در دو هفته که ۱۰ روز کار می کنی با کسر تعطیل میشود ۵۰ هزار تومان حال آنکه پاداشی کمید هند به بعضی ۳۰۰ تومان به بعضی ۵۰ تومان و جمعاً ۳۰۰۰ تومان است معلوم نیست ۷۰ هزار تومان بقیه کجا می رود و بالاخره کارگر دیگری می گوید: "مفت خوردن در این کارخانه زیاد ند که زیر کولر نشسته و حقوق میایزند. مثلاً مدیر عامل به خرج ما میروند خارج (اشاره به سفراو به آلمان غربی است)".
آخریاً به بهانه های جدیدی در کارخانجات نجات از دادن پایه جدید خودداری میکنند مثلاً "به بهانه کمی سواد، خوب کار نکردن و... در حالی که بر طبق قوانین خود سرمایه داری پس از چند سال باید پایه داده شود. مثلاً در حالیکه در کارخانه تولید ارو باید هر ۲-۳ سال یک پایه داده شود، به انحاء مختلف از آن سر باز میزنند و این در حالی است که حقوق مدبران در آبانماه به بهانه اینکه دستراد ارند بین ۴۰۰۰ تا ۸۶۰۰ تومان در ماه اضافه شده است. البته به تعداد معدود پایه داده شده که می بایست به ازای هر پایه ۴۰۰ تومان به دستمزدها کارگران اضافه می شد اما حتی از این هم زدیدند و تنها ۱۸ تومان به دستمزدها اضافه شد و حال اینکه نام آنرا "افزایش حقوق تشویقی" گذاشتند تا بین کارگران تفرقه پدید آوردند. اما این حیلله سرمایه داران برای کارگران تا

حدود یروشن شده است. همانگونه که گفته شد شرط ریافت پایه در مراکز تولید مختلف متفاوت است مثلاً در کارخانجات هلی کوپتر-سازنی پنها شرط ریافت پایه و کوره، شرکت در کلاسهای سیاسی ایند تئوریک است و در این مورد حتی بخشنامه نیز داده شده است. در همین کارخانه به بهانه های دیگری نیز از دستمزدها ناچیز کارگران کسر میگردد. مثلاً در گزارشی می خوانیم: "از حقوق کارگرانی که از سال ۶۰ به بعد استخدام شده بودند پاداش پرداختی سال ۶۱ را کسر کردند یعنی همان ۸۲۰۰ ریالی که بعنوان پاداش در سال ۶۱ دادند این امر متعجب و حیرت کارگران را بشدت برانگیخت بطوریکه صریحاً به مدیر عامل دولت فحش میدادند".
در مواردی همان دستمزدها ناچیز بهانه پول نداشتن و فروش نکردن کارخانجات پرداخت نمیکردند: "در یکی از کارخانجات نساجی اصفهان سه ماه حقوق کارگران پرداخت نشده بود. لذا کارگران از خروج تولید جلوگیری کردند و آنرا موقوف به پرداخت دستمزدها معوقه خود نمودند".
پارک آرم - به دلیل عدم پرداخت حقوق یکی از کارگران بدت شش ماهه دستور تخلیه خانه های کارگران از سوی مد سپریت (وابسته به بنیاد مستضعفان) یکی از کارگران در وزارت کار از شدت خشم و غضب مسئول کارگزینی را چاقو زد. شک نیست که این نمونه از مبارزات فردی بهیچوجه نمی تواند شمر بخش باشد. اما گاه فشارها و اجحافات رژیم کارگران را وادار میکند تا اعمالی نیز کرده است.
۳- نظر کارگران در مورد اخراجها طی سال گذشته همچون سالهای پیشین مساله اخراج به بهانه های گوناگون ادامه داشته است. اصولاً هرگونه اعتراضی با اخراج پاسخ داده می شود. سرخورده با مد بیریت یا اعتراض به شرایط کار و سختی کار و... پاسخ اخراج است و از آنجا که مساله تخصص در کار برای سردمداران رژیم چندین مطرح نیست و منافعی را مد نظر دارند، اخراجها خود شیوای برای استخدام کارگران جدید با حقوق ۵/۶۳ تومان است. این را کارگران به خوبی در ریافته و در صحبتهایشان مطرح می کنند: "مدیر عامل و مهندس سر شبفیت به کارگران میگوید شما کاری را که در طول روز می کنید کافی نیست یعنی هر دو نفر کار یک نفر را انجام میدهند. یکی از کارگران اعتراض کرده و می گوید چون کار ما سنگین است باید نهم ساعت کار و نهم ساعت استراحت کنیم که در نه ساعت استراحت، کارگر دیگر کار را انجام میدهد. یکی از کارگران گفت تو و مدبران دیگر ضد کارگر هستید و شروع به فحش دادن می کنند. مهندس به انتهای کماحضر نیستند کار کنند می گوید استمان را بنویسید. پنج نفر نام خود را می نویسند. بلافاصله اخراج می شوند. یکی از اخراجیها می گفت با این حقوق ۲۷۰ ریال و این کار مشکل، همان بهتر که اخراج شوم. اگر در ترمینال سیگار فروشی کم بهتر از این است. همچنین یک کارگر ساده ۴ ساله به بقیه در صفحه ۱۴



نامه یک رفیق به نشریه کار :

”من این گل رامیشناسم من این گل را.....“

این نامه حاوی گزارشی است از مشاهده رفیق بر مزار انقلابیونی که توسط رژیم جان باختند .

★ ★ ★

جمعه بود ، خورشید در نیمراه آمدنش بود و من خواب بمچشمانم نمی آمد تا هرچه زود تر به راه افتم . بالاخره ساعت مقرر رسید و من در راه بودم . تمام وجودم ملتعب بود و تشویشی سراپایم رافز گرفته بود . در میدان خراسان مینی بوسی را که بمشهرکی میبرد سوار شدم . چه مسافری عجیبی بودند . نگاههایشان عجیب و مرموز بود و هر تازگی واردی را که سوار می شد با چشم خود در اعماقش می کاویدند . از راننده می پرسیدم : ” قبرستان ارضی ها هم میروید ؟ “ مسافری بالبخند متنی جواب دادند : ” بله “ . براه افتادیم اما چقدر راه برایم دور می نمود . دو مادری که صورتشان هزارها سال عمر کرده بود اما شاید جوان بودند با هم در مورد بچههایشان صحبت میکردند . فقط زمزمهای از حرفهایشان به گوش میرسید ، انگار در مورد زندگی نامه فرزندانشان صحبت میکردند . در لابلای صحبت هایشان یکی از آنها که روسری سفیدی بر سر داشت در عکس که در قلاب زیبایی جای داشت در آورده و به دیگری نشان میداد و سپس بمسافری دیگر میگفت : ” یکی دخترم است و دیگری خواهرزاد ما هم هر دو مهندس بودند . دخترم را در پشت زهرا خاک کردند و خواهرزاد ما را اینجا من هم امروز می خواهم به او سرزنم “ . چه با افتخار حرف میزد و دیگران نیز عکسها را با احترام دست به دست به یکدیگر نشان میدادند . پسر جوانی که ظاهری شبیه به مسجی هاد آنت و مسافر شهرک بود ، جراتی برای حرف زدن داشت و تنها از صحبت های مسافری حرص نمیکرد . شاگرد راننده که گویی همه مسافرها را می شناخت شروع به جمع کردن پول کرد و همه اش بمادرها می گفت : ” این دفعه میمانم من “ و گاهی هم با آنها همدردی میکرد . کم کم به مقصد نزدیک می شدیم . راننده درست جلوی قبرستان نهداشت ، بدون اینکه کسی به او چیزی بگوید و بغیر از ۷ - ۸ نفر تقریباً همه مسافری بیاد میشدند . بعد از پیاده شدن مجدد همه با یکدیگر حال و احوال کردند . چند دختر جوان هم در میان جمعیت بودند . اکثراً ” همدیگر را می شناختند اما اگر فرد جدیدی هم می آمد با او طوری حرف میزدند که گویی سالهاست که آشنا هستند . اول رفتند طرف گل فروشی که قبل درب ورودی قبرستان ارضی ها بود و دیدند که بسته است از آقایی که وارد قبرستان می شد پرسیدند که

علت بسته بودن گل فروشی چیست و او گفت : ” فکر می کنم که این بابا تصادف کرده باشد “ اما کسی حرف او را باور نکرد همه می گفتند می دانیم حتماً بخاطر اینکه بمادر می فروخته در مغازه اش را بسته اند و چند تافحش به رژیم دادند . یکی از مادرها بالبخند غناکسی گفت : یعنی امروز بدون گل پیش بچههایمان برویم و یکی جواب داد ” خوب عیبی ندارد بعضی ها هم ممکنه از شهر گل را خرید باشند میتوانیم از آنها هم بگیری “ . بطرف فرزندانشان حرکت کردند چنان باشتاب راه می رفتند که گویی آنها بی قرار منتظر هستند و گویی که واقعا ملاقاتی می خواهد صورت بگیرد . یکی از مادرها به آن چند دختر جوان می گفت : ” عزیزانم شعایری چه بلایحاله هاید ؟ یکی از آنها گفت : ” آمد ما پیش برادر “ . مادر گفت : ” اما اگر بجای شما مادران بیاید خیلی بهتر است “ . دختر جوان گفت : ” مادر “ . اوها یا او آمد ما اینجا “ . مادر با حالتی جدی گفت : ” می دونی اگر شماها فعالیتی داشته باشید اصلاً درست نیست بیایید اینجا . این بی شرفها هفته پیش ۲ پسر جوانی را که آمده بودند اینجا گرفتند و بردند خیلی خطرناکه ، البته این پست فطرتها که ترسند آرند مهم خوتان هستند و باید از خوقتان مواظبت کنید “ . یکی دیگر از مادرها به خند گفت : ” آخه ما الان به نیروی شما بیشتر احتیاج داریم تا بمشاهدات شما “ . رو بروی در ، گشت کمینته ایستاده بود و همه با اینکه در قیقا حواسشان به آنها بود اصل گویگرترین اعتنائی نمیکردند و همه حرفهایشان را حتی به زبان بلند ترمی گفتند و بیشتر مواظب جوانترها بودند من که از فرط هیجان نفس نفس میزدم و قلبم بمشمت می تپید - زیراً برای اولین بار بود که به آنجا می رفتم همیشه در و در از آنجا و از مادرها و پدرها و حرفهایشان خیرد اشتم - گورستان در ظاهر قطعه زمینی بود که قسمتهائی از آن صاف بود ، بعضی جاها ناهموار و بعضی جاها سنگ قبرهایی که خرد شده بود . اما من بیشتر حواسم به روحیه جمعیت بود و حرفد هایشان . آنها با هم صحبت میکردند یا بر سر مزار فرزندانشان راز و نیاز می کردند . بر سر مزار اکثر انقلابیون جان باخته گل های پرک ، سبزی گذاشته بودند و هر کس نیچی خوراکی که قبلاً ” فرزندشان دوست داشت آورده و به بقیه تعارف میکردند .

شاید زهرخاک بجای بذره بارونی آمده انفجار بود ، شاید اگر خاک را می کشیدیم بجای هر چند یک مسلسل بود ، شاید خوشه ای گندم بود . اما باز دلم میخواست که این جمیع سرپاشیها را نگاه کنم و بجای صحبت آنها بنشینم . دوباره بمخود آمدم و به اطرافم نگاه کردم . مادری که سرپاشی سپاموش بود خودش را روی یکی از قبرها انداخته بود و بالهجه لری در حال گریه میگفت : ” رویه ... رویه تازه دامادم رویه ... “ و زنی آمد جلو و با همدردی خاصی آهسته بمادر گفت : ” چرا اینقدر گریه می کنی ؟ تو میدانی که نباید گریه کنیم بچههای ما باهم خردشان اینگونه مرگ را انتخاب کردند . ما اگر نخواهیم مثل اونها زندگی کنیم باید برای خودمان گریه کنیم . من پسر هم داشتم ۱۶ سال داشت و ۳ روز بعد از دستگیری اعدامش کردند . توی وصیت نامه اش نوشته بود که مادر جان اگر می خواهی من از تو راضی باشم راه منو ادامه بده . من در تازاد اسام - هایم و یکی از دخترهایم راهم گشته اند و همه اینجا خاک شده اند اما تا حالا اجرات نکردیم حتی یک قطره اشک هم بریزم چون از روی آنها خجالت می کشیم “ . در همین حال گشت به داخل محوطه آمد و آن مادر قهرمان به آنها اشاره کرد و گفت حیف نیست که ما جلوی این پیوفیروزها گریه کنیم و آنها خوشحال بشوند و بعد برای تاکید بیشتر گفت : ” مادر جان اگر بخوای گریه کنی پست ناراحت می شه . ما که موقع زنده بودن آنها کاری برایشان نکردیم اصلاً حالا کاری درست انجام بدیم . و سپس دست مادر را محکم فشرد و رفت در گوشه ای دیگر زنی ساکت و آرام نشسته بود و رو بروی خاک فرزندش دست می کشید ، در کنارش مادر دیگری بود که با فرزندش حرف میزد اشک بمهریخت می گفت : ” عزیز دل مادر نمی دونم چرا وقتی میام پیشت پاهام برای رفتن حرکت نمی کنند ، دخترم دختر قشنگ من هر روز روزنماری می کنم تا جمعه بشو میام پیش تو “ . گاش می گذاشتند که من یک خونه اینجا بسازم و باتورندگی کنم حتی اگر از اسون گوله هم بیارم باز از پیشت نمیرم “ . معمولاً هر کس می آمد عکس فرزندش را هم می آورد و رو بروی خاک می گذاشت . همه ابتدا کمی بر سر خاک فرزندشان می نشستند بعد بمزار دیگر فرزند آن انقلابی خلق می رفتند زنی که جوان بود بایک دسته گل تزکی و گل سرخ آمد و بر سر خاک یک شاخه گل گذاشت مادری بود که به هر کس که می آمد شهربنی تعارف میکرد . بچهها هم فارغ از همه این صحنهها بر روی خاکها شان مانه بازی میکردند و می خندیدند . جمعیت تقریباً بیشتر میشد . عدای از مرد ها جلودر ورودی روبه آفتاب ایستاده بودند و با هم صحبت میکردند . واقعا که صحنه های عجیبی بود . گشت کمینته هم مانند لکه لکه سیاهی در روشنائی روز ، حقیرانه به اینطرف و آنطرف میرفت و از نگاههای جمعیت فرار بقیه در صفحه ۱۲

زندانی سیاسی آزاد باید گردد ، ترور ، شکنجه ، زندان نابود باید گردد

نامه يك رفيق ...

میکرد . باخود فکر می کردم که راستی قدرت این گشتها با تمام وسایلی که در دست دارند چقدر حقیقی و پویا است . واقعا که صحنه ها بدنی بود .

مادری که بایک مشت پوست چروکید هموهای سفید رنج سالهاستم سرمایه داری رابدین می کشید ، حتی يك لحظه هم بر سر مزار فرزندش نمی نشست و با چاروبی که در دست داشت مرتباً همه قبرها را تمیز می کرد و با دیگران حرف میزد . او چهار فرزند داشت که رژیم هر چهار فرزند او را به شهادت رسانده بود . پدري نیز بمقتضای سرخاک و دخترش آمده بود و در باره خصوصیات فرزندش بسیار دیگران صحبت می کرد . او می گفت : دختر من از کوچکی تا موقعی که در بیلم بگیرد مدتش از ۱۸ کمتر نشده بود من همیشه او می گفتم تو با استعدادی که داری برو خارج و در آنجا ادامه تحصیل بده ، اما او همیشه بجای جواب بامن شوخی میکرد . . . آه ...

بله . . . هر چه با سواد است باید که از بین بروه . واقعا که غیر از این نمی توانند حکومت کنند . دختر من از گروه پیکار بود تو ی زنده ان گفته بود ندگه فقط آگه توبه کند کاری با او ند اریم اما او حتی حاضر نشد يك ذره از اعتقادات خودش پائین بیاید . در گوشه ای مادر و پدری بر سر خاک فرزندشان نشسته بودند و مادر بشدت گریه میکرد و پدر آرام اشک میریخت . پسر کوچکی نیز بطولشان نشسته بود و مرتب صورت مادر را بوسه میزد . دختر جوانی پیش آنها رفت و خرم تعارف کرد و بعد بهشتان نشست و از پدر پرسید : کی شما اینجا خاک شده ؟ پدر گفت "بسم" و مادر هم گفت : حتی نگذاشتند که با او ملاقات داشته باشیم و وصیت نامه اش را هم به ما ند اند " و دوباره پرسید مال چه گروهی بود ؟ گفتند مجاهد بوده در حالی که مادر حق هق گریه میکرد از پسرش حرف میزد و می گفت "پسرم هفت ماه بیشتر نبود که عروسی کرده بود وقتی او را کشند زنش حاطه بود زنش را هم بردند پسرم ممنوع الملاقات بود و زیر شکنجه جان داد زنش بچه را در زندان دنیا آورد و ماد اریم او را بزرگ می کنیم" . باز گریه کنان بغض را فرو داد و گفت : همه اش این بچه بمن می گوید پرویم پیش بابا . وقتی میاد اینجا می پرسه بابا گو می گویم زیر این خاک است و بعد خاک را می بوسه .

زن جوان دست مادر را گرفت و گفت شوهر مرا ۶ ماه در زندان نگه داشتند و شب و روز او را شکنجه کردند من همیشه آرزو میکردم که زود تر او را بکشند اما با اینحال دوبار او را ملاقات کردم دفعه آخر که خودش میدانست آمد امش می کشید همه اش می خندید و به من دل داری می داد و می گفت برایش نگران نباشم مادر دستهای زن جوان را گرفت و گفت می دانم چه کشیدی .

در کورستان ۳ مادر داشتند باشند تمام کار میکردند با دست يك قسمت زمین را

شخم میکردند و گندم می کاشتند . آنجا قبر سلطانپور و تعدادی دیگر از رفقا بود مزدوران رژیم با بلد وزر آنجا اصراف کرده بودند و سنگ قبرها را کنده بودند . آنها جندی تند کار میکردند که صورتشان بشدت عرق کرده بود و با هم حرف میزدند و می گفتند که امید داریم این گند مهاسبز شود . در همان حال صدای آوازی شنیدم به آنسو رفتم . مادری ۲ عکس رنگی و بزرگ از ۲ پسرش را روی خاک گذاشته بود و بلند بلند آواز می خواند : " عزیزانم ، عزیزان قشنگم ، می دهم شما خودتونو فدای خلق کردید ، می دهم منو پیش این خلق سر بلند کردید . فدای افتخار ماست فدای کارگرهای ماست . . . بعد ساکت شد و گفت همیشه به پسریم می گفتم مادر جان مواظب خودت باش آخر تو را می کشند همیشه می خندید و می گفت ما همچوقت نمی میریم" . در این موقع چند نفر دور این مادر جمع شده بودند و با او همدردی می کردند . مادر ادامه داد : " یکی از پسرهام از و اج کرده ، او رهبر يك قسمت مهمی بود . قبل از دستگیری سیانور خورد و خودش را زنده به دست این جلا دهنداد اما پسر کوچیکم را یکسال تمام از دست کردند اما او هم سرش را پائین نیاورد" روه عکس پسرش می گفت : " همیشه به پسر کوچیکم می گفتم تو هم از و اج کن تا به سر و سامانی بگیری او می خندید و می گفت من با خلقم از و اج کرده ام . . . با اشاره به قبر های دیگر به عکس پسرش می گفت شما هانتها نیستید رفقای دیگر شما هم اینجا با شما هستند" . زن جوانی آمد و در مورد نحوه دستگیری و شهادت پسرهایش پرسید بعد عکس شوهرش را در آورد و گفت من همه اش ۳۰ روز بود که از و اج کرده بودم . مادر عکس شوهر را نگاه کرد و پرسید فدائی بود دختر گفت آره بعد گفت فدائی ها همه شان اینطور رشید و خوشگل هستند (اشاره به چند عکس رفیق دختر که شهید شده بودند) بعد به زن جوان گفت امید وارم همه دشمنهای بچه هایمان سیاه بخت و نابود بشوند . انشاء الله خیمینی پیوسک در رید ریشه و باز شروع کرد به سرود خواندن و از حماسه فدائی ها گفتن از مقاومت رفقا ، از خصوصیات برجسته آنها و باز سرود می خواند . بعد مادر این جوان را محکم در آغوش گرفت و هر دو از ته دل گریستند و برای يكدیگر همدردی می کردند . خانواد مهمانی هم که جمع شده بودند آرام گریه میکردند .

فکر میکردم که در از شدت بغض خفه می شوم . باور نمی کردم که این صحنه واقعیت است یا در خیال می کنم . نفس کشیدن برام مشکل شد می بود هم دل می خواست که بمانم و باز این صحنه ها را نگاه کنم هم نشه . بمخاک نگاه میکردم اما واقعا باور نمی کردم که این رفقا به این راحتی زیر خاک آرا میگیرند هر چه نگاه میکردم باور نمی کردم همه اش فکر میکردم که آنها یا لا آخره بشکلی جان دارند فکر میکردم که آنها در خوشه گند مها جان دارند . آنها در خیم مردم جان دارند و در کینه این مادرها . واقعا که آنها افتخار خلق زحمتکش و فرزندان راستین این ملت

هستند . آنها انقدر بزرگ هستند که مرگ نیز در مقابلشان به زانو در آمده است . زندگی آنها نیز حماسه ای مانند مرگشان بوده . داشتیم فکر میکردم که تکلیف من چیست حالا باید چه بکنم ، دیدم دل می خواهد با همان شنایی که به اینجا آمده بودم با سرعتی چند برابر بروم زیرا که می خواستم رفقا را پیدا کنم . دل می خواست که زنده بمانم و بقول آن مادر از نیروی که دارم استفاده کنم . دل میخواست که از این به بعد باتوانی بیشتر و صد ها بار بیشتر راه این رفقا را ادامه داده و کار کنم و در راه همه اش به یاد حرف رفیق صمد بودم که می گفت :

" مرگ خیلی آسان می تواند الان به سراغ من بیاید ، اما من تا می توانم زندگی کنم نباید به پیشواز مرگ بروم . البته اگر يك وقتی ناچار بامرگ روبرو شدم که می شوهم نیست ، مهم اینست که زنده گی یا مرگ من چه اثری در زندگی دیگران داشته باشد . . ."

قسمت حاشی از شر بلند بهار ۵۱

افزادائی شهید رفیق سعید سلطان پور

در برک های بهار پنجاه و یک گلشن های خون تاب می خوردند صد مادر سوگوار با جامه های مسکی بر نوده های دادرسی

سر می کوبند

صد بدر سوگوار

با نوارهای سیاه

در بازار می کردند

کوزن جوان

با شاح های خونین

در دیوار شهر اعلان می کوبید

و از کوجهها صدای گلوله می آید

رها کنید

رها کنید شانه و بازویم را

رها کنید مرا

تا ببینم . . .

من این گل را می شناسم

من این گل را می شناسم

من با این گل سرخ

در فمویه خانه ها نشستم

من به این گل سرخ

در میدان راه آهن سلام دادام

آ . . .

من این گل را می شناسم

دسانش دو کبوتر بودند

بر تاحه ی تفنگ

در کودکی

در کند مزار می چرخید

در جوانی در گلوله ها

با این دهان خونین

من این گل را می شناسم

چون کوهی از آتش برمی خیزم

و روی تجربه های خونین شهادت

مرثیه سوزان زمانه را می شناسم

و با اوراقی که چون گل در جیب هایم شکفتند

به سوی سازمان مردم پیش می روم

انقلاب یا ...

جدائی حزب دموکرات کردستان ایران از شورای ملی مقاومت

تا کنون کمپانی خود را بر آن اساس قرار دادند .
بعد در سال ۱۹۱۷ زمانیکه منسوبم
هنوز تا کنون کمپانی خود را بر مبنای بسط سرمایه
- آری و به این طریق رشد نیروهای مولده
جهت کامل کردن " این حلقه ضروری در
تاریخ بشر " بنانهاد و و شرکای انقلابی را
بشمعیت بورژوازی در آوردند ، لنینین و
بلشویکها تزهایی آوردند در مقابل آن قرار
- دادند و انقلاب اکثر را که از دید گاه
اکنونیستنها یک گناه کبیره به حساب میآید
بهیوزی رساندند .

بطوریکه از این شواهد تاریخی مشاهده
می شود که نظریات اکنونیستنها در هم معال
به بسط مناسبات سرمایه آری و از این طریق
رشد نیروهای مولده خلاصه می شود .

اکنونیستنها البته در حرف منکر سوسیالیسم
نیستند و ظاهراً " اعلام نیز نمیدارند که بسط
سرمایه آری رافی نفسه طالبند . اکنونیستنها
اما تحول به سوسیالیسم را موقوف به بسط کامل
مناسبات سرمایه آری و رشد نیروهای مولده
می کنند . و این امر را در هر زمان و تحت
هر شرایطی همچنانکه نمونه های تاریخی
سیار گواه آن است) هدف خود قرار میدهند .
از این لحاظ تکامل گرایی تدریجی صفت
شخصه اکنونیستنها میگردد .

در ادامه مقاله ، بینش اپورتونیسیم راست
نسبت به مبارزه طبقاتی و بینش تکامل گرایی
تدریجی سیاسی که بر پایه بینش اکنونیستنی
آنها از تحولات اجتماعی قرار آری بررسی میشود
و توجیهاتی را که توسط آن این اپورتونیسیم
در ایران که منظرهات خود را می پوشاند تا
انقلاب بورژوازی دموکراتیک و رهبری نیروهای غیر
پرولتری بر انقلاب را تحلیل شخص از شرایط
شخص جایزند مورد توجه قرار میدهم .

تصحیح و پوزش

در مقاله انقلاب پارفرم مندرج در کار
۱۸۸ چند اشتباه تایپی و جا افتادگی وجود
داشت که بدین ترتیب تصحیح می شود :

۱- صفحه ۵ ستون ۲ سطر ۱۰ تبیین
علمی تایپ شده که صحیح آن تبیین علمی
است .

۲- صفحه ۵ ستون ۳ سطر ۱۰ برخوردی
جزئی تایپ شده که صحیح آن برخوردی جدی
است .

۳- صفحه ۶ ستون ۳ سطر ۱۸ از آخر
پس از این سطر عبارتی از قلم افتاده که با
احتساب آن عبارت کل جمله بصورت زیر است
" این دو جریان در عین حالیکه از یکدیگر قابل
تمایزند اما برهم منطبق اند . این دو جریان
از یکدیگر متمایزند زیرا که نتایج نظری هر یک
که مبتنی بر اسلوب تبیین انقلاب است نغتنها
از یکدیگر مجزا است بلکه ظاهراً " در دو قطب

در اوایل اسفند ماه ، مجاهدین خلق
در سرمقاله " مجاهد " رسماً جدائی خود و
" شورای ملی مقاومت را از حزب دموکرات
کردستان اعلام نمودند .

در سرمقاله مجاهد که به همین منظوری
اختصاص یافته ، گفته شده است : " خدا حافظی
با حزب دموکرات برای " شورای ملی مقاومت
و سازمان مجاهدین خلق تأسف انگیز است ،
اما چه باید کرد اصول زانی شود فدائی

مصلحت اندیشی روزمره نمود " . و مجدداً
میگوید : " علیرغم ارزش شستی که ماندن حزب
در شورا برای جنبش داشت ، به دلیل نداشتن
در مذکره بسوی رژیم خمینی ، ما ناگزیر اتحاد
خودمان را با حزب پایان یافته تلقی کردیم .
این اعلام شرمگینانه جدائی حزب دموکرات
کردستان از " شورای ملی مقاومت " در -

حقیقت اعلان پایان یافتن و انحلال علنی
شورای ملی مقاومت بعنوان یک ارگان بورژوا
- لیبرالی است که در سال ۶۰ با اتحاد
میان سازمان مجاهدین خلق و بورژوازی
لیبرال رهبری بنی صدر تشکیل گرفت و سپس
حزب دموکرات ایران نیز به آن پیوست . از

همان آغاز شکل گیری " شورای ملی مقاومت "
کاملاً روشن بود که این ائتلاف به دلیل فقدان
یک خط مشی انقلابی و ارائه یک برنامه
بورژوازی رفرومیستی که به هیچ وجه پاسخگوی
اساسی ترین خواسته های توده های مردم
ایران نبود نمی توانست در وضعیت سیاسی
حاکم بر ایران در جهت سرنگونی رژیم

جمهوری اسلامی نقشی ایفا نماید و طی یک
پروژه روند فروپاشی و تلاشی آن قطعی بود .
در پی به راز کشیدن سرنگونی رژیم جمهوری
اسلامی گروهی از لیبرالهای شورا به رهبری
بنی صدر ، چند ماه پیش از شورا ایجاد شد و
هنوز چند ماهی از جدائی بنی صدر نگذشته
بود که اختلافات میان دو نیروی اصلی این
ارگان بورژوا - لیبرالی یعنی سازمان
مجاهدین خلق و حزب دموکرات ایران
شدت گرفت تا بالاخره مجاهدین در شماره

آخرین نشریه خود جدائی خود و " شورای ملی
مقاومت " را از حزب دموکرات کردستان
ایران اعلام نمودند . سازمان مجاهدین خلق
که در این سرمقاله دلیل جدائی از حزب دموکرات
را " نداشتن در مذکره بسوی رژیم خمینی "
اعلام نموده است مدعی است که این جدائی
موجب تلاشی و فروپاشی " شورای ملی مقاومت "
نشده بلکه منجر به استحکام آن خواهد
گردید . گذشته از اینکه این جدائی از
حزب از چه موضعی باشد ، این واقعیت را
مجاهدین خلق نمی توانند کتمان کنند که
پس از جدائی بنی صدر از " شورا " ، در نیروی
اصلی آنرا حزب دموکرات و سازمان مجاهدین
خلق تشکیل میدادند که با این جدائی ،
" شورای ملی مقاومت " عملاً فروپاشیده است .
مجاهدین خلق برای اینکه نشان دهند

که شورای مقاومت متلاشی نشده و از هم
نیاشیده است ، البته می توانند نام خود را
عوض کنند و از این پس نام خود را " شورای ملی
مقاومت " بگذرانند . چون غیر از سازمان
مجاهدین خلق دیگر هیچ نیرویی که دارای
پایگاه اجتماعی باشد در " شورا " وجود
ندارد و سازمان مجاهدین خلق نمی تواند
در عین حال هم سازمان مجاهدین خلق
باشد و هم بمنتهای " شورای ملی مقاومت " .
بهررو باید اشدن مجاهدین و حزب
دموکرات و فروپاشی عملی " شورای ملی
مقاومت " روشن گردید که هرگونه راحل های
بینابینی برای برخورد با مسائل ایران با
شکست قطعی روبروست . توده های مردم
ایران که از همان آغاز نیز هیچ اعتقادی به
" شورای ملی مقاومت " نداشتند با انحلال
آن بیش از پیش به این واقعیت آگاهی می یابند
که تنه راه پایان بخشیدن به وضعیت اسفبار
حاکم بر ایران ، راحل انقلابی دموکراتیک
مسائل ایران است که سازمان چریکهای
فدائی خلق ایران در برابر عموم توده های
ایران قرار داده است .

کاملاً " متضاد قرار آرد " .

۴- صفحه ۱۲ ستون اول سطر ۳۳ در
در این سطر یک عبارت از قلم افتاده که جمله
کامل بقرار زیر است : " از درك اشکال متوجهی
که انقلابات و قدرت سیاسی بخود میگردند ،
عاجز می ماند و ویژگی ها و اشکال مشخص نقاط
اتصال و دوران تاریخی در یک جامعه
شخص را نادیده میگردد " .

۵- صفحه ۱۲ ستون ۲ سطر ۲
صحیح باینصورت است : " خود راهم طلب
می کند . بورژوازی یا خرد بورژوازی "



پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

پروسی اشکال مبارزاتی ...

دلیل دعوا و مناجره بامد بریت اخراج شد و موارد مشابه نیز بسیار است. نظر کارگران اینست که مد بریت به پیمانهای مختلف کارگران را اخراج می کند تا با حقوق پایه ۶۳۵ ریال کارگر جدید استخدام نماید. و پس از کارخانه جاکو (جامه) در مهرماه ۶۳ اخراج مجرم داشتن و کوبیدن صورت گرفت. یک کارگر زن به دلیل داشتن دو بچه و بخاطر اینکه کارخانه مهد کودک نداشت اخراج گردید. گزارش دیگری حاکیست که در پارک ارم با آسمان از فصل زمستان تعدادی از کارگران اخراج شدند. در اعتراض به این امر یکی از کارگران گفته بود که طبق قانون کار پس از ۳ ماه و ۱۰ روز کار نمی توانید اخراج کنید. مدبرعامل پارک می گوید اون قانون طلغوت بود قابل ذکر است که پارک ارم - تحت پوشش بنیاد مستضعفان است.

۴- جوپسی را اختناق در کارخانجات رژیم به اشکال مختلف سعی دارد تا کارگران را شددید. تحت کنترل قرار دهد. در این رابطه مزدوران انجمن اسلامی بخش حراست که شاخه ساواک در کارخانجات هستند هرگز به پیشرو خود سعی در افعال کنترل بر کارگران ندارند. نفرت کارگران از انجمن اسلامی و مزدوران حراست انجمن عمیق و آشکار است که خود این جیره خواران کاملاً بران واقفند. مادر بخش دیگری باین ساله خواهیم پرداخت. رژیم مزدورانش برای جلوگیری از بخش اعلامیه و تراکت و رسیدن آنان به کارگران این مزدوران را مرتباً در حال آماده باش نگه میدارد و همچنین در مقابل درب بسیاری از کارخانجات استحکامات ویژه دیده بانی را برقرار کرده است. دیوارها را بالا برده، در ریه های ورودی رات میزد و کرده و راه های ورودی به کارخانجات بویژه در موقعیتهای خاصی نظیر اول ماهه و ... در مدید است تحت مراقبت قرار میدهد.

در بسیاری از مراکز تولیدی، بدن گردی در هنگام ورود و خروج اعمال می شود تا احتمال حمل و بخش اعلامیه را خنثی کند. در کارخانجاتی نظیر پنبه (هلی کوپتر سازی) کمپنی از شیلهای حاس تهیه شده و کسانی که در آنجا کار می کنند کاملاً از نظر اداره حراست شناسائی شده اند تا خبرها در روز ننگند. همچنین هر کارگری که سه ماه غیبت داشته باشد فراری محسوب شده و تحت پیگرد قرار میگیرد. اخیراً از سوی دادستانی در برخی از کارخانجات فرم هایی به کارگران داده شده که بایست مشخصات خود و خانواده، محل کار در کارخانه محل کار قبلی، علت خاتمه کار قبلی و اینکه در کدام ارگان (سیاه، سیخ، جبهه) شرکت داشته اند به علاوه آدرس کامل منزل خود را نوشته و با التماس عکس تحویل دهند. این حرکت بخاطر شناسائی بیشتر کارگران و جلوگیری از ادامه فعالیت کارگران پیشرو داده شده است. همچنین به کارگران با اصطلاح نمونه

یاقول کارگران به جاسوسان مرتباً "یزایا سی تعلق میگیرد. فی المثل در گزارشی آمده: "بیسکویت کرجی - به کارگران نمونه" یا یاقول کارگران به جاسوسان "متور یا ماها ۱۰۰ جایزه دادند. ذهنیت کارگران این بود که این نوعی رشوه و تشویق به جاسوسی بیشتر و فریب کارگران است. همچنین در کارخانه دیگری "رئیس دایره سیاسی ایدئولوژیک، پیرونده همه کارکنان را مطالعه کرده و از جاسوسها خواسته که اگر حتی هرگونه صحبتی در کارخانه می شود فوراً اطلاع دهند."

گزارش دیگری حاکیست "تولید در ارو - کارگری که تنهاسبت ۱۰ روز توسط سرکوب - گران دستگیر و سپس آزاد شده بود به دلیل نداشتن ورقه ای مبنی بر رفع سو ظن اخراج گردید." در رابطه با کنترل پلیسی نامه های مراسلات کارگران نیز گزارشی دریافت داشتیم منطبقه رفیقی از جاکو می نویسد: "نامه هایی که به کارخانه می آید ابتدا در دبیرخانه کنترل می شود و سپس به کارگران داده می شود." این حرکت رژیم ناشی از وحشتی است که سرمایه داران از رسیدن اعلامیه های نیروهای انقلابی از طریق پست سرخ به کارگران دارند.

علاوه بر این تمهیدات، رژیم برای جلوگیری از ورود کارگران پیشرو و آگاه به کارخانجات، در شیوه استخدام نیز به سیاستهای پلیسی متوسل می شود. در این رابطه به نحوه استخدام در صنایع دفاع اشاره می کنیم: "در مرحله اول استخدام، فرمی در اختیار متقاضیان قرار میدهند. در این فرم سوالهایی از بدو پرسیده می شود تا لحظه کنونی متقاضی شده که باید به آنها جواب داده شود و مشخصات تمامی افراد خانواده و وابستگان نزدیک بصورت کلی خواسته شده است که بشرح زیر می باشد:

- الف - در چه خانواده ای متولد شده اید؟
- ب - آیا از طرف ساواک یا ارگانهای دولتی رژیم سابق یا نهادهای انقلابی جمهوری اسلامی تحت تعقیب و بازداشت یا زندان بوده اید یا نه؟
- پ - آیا بستگان شما ... طبق سوال بالا.
- ت - چند نفر از دوستان خود را نام ببرید.
- ج - نام چند پاسدار که شمارا می شناسند.
- سپس به متقاضی پس از برگردن فرم اول، فرمی داده می شود که عیناً مانند فرم اول است به این امید که شاید با تناقض گویی ها بتوانند در کارشان موفق شوند. از نظر تکمیل پرونده جاسوسی و عنوان آخرین اتمام حجت نمایندند حفاظت و حراست (بخوان ساواکا) برای متقاضیان صحبت می کند. شما برادران که به این مکان آمده اید سعی کنید افراد ضد انقلاب را شناسائی کرده و سه ما معرفی کنید. البته ما اینگونه افراد را شناسائی نخواهیم کرد. سعی کنید شما کاری نکنید که برای خودتان یا خانواده تان دردسر ایجاد کنید. چون سازمان ما آنقدر قوی است که اینگونه مسائل را فوراً کشف می کند و سپس با ذکر نمونه هایی از شاهکارهای

سازمان حراست به موعظه خود پایان میبخشد. برای هر متقاضی نیز زمان معینی حدود پنج الی شش ماه برای تحقیق در نظر گرفته شده است.

گزارش دیگری که مربوط به کارخانه دخانیات است حاکی از جو پلیسی و ارباب دخانیات همچنان پلیسی و اختناق آلود است. بخشی از کارمندان اداری در قسمت سلیمان زین کارخانه که ملواز سمومات است قرار داده اند. جیره خواران رژیم در کلیه قسمتهای کارخانه مدام پرسه میزنند تا کارگران بایکدی بگر صحبت نکنند. یکی از کارگران قدیمی کارخانه که حدود ۳ ماه در زندان بود بعد از چند روز آزادی به کارخانه بازگشت ولی مدتی نگذشت که وقتی قصد رفتن به منزل را داشت توسط یک ماشین ناشناس به منطقه قلعه مرغی تهران برده شد و آنقدر این کارگر را زندان کرد و بیابیش شکسته بود. از زنده بودن یا نبودن او هیچ اطلاعی در دست نیست.

علاوه بر جو پلیسی در کارخانجات و کنترل شدیدی در مورد استخدام رژیم در محلات کارگری و شهرک های کارگری نیز کنترل شدیدی اعمال می کند از جمله در گزارشی از ایران ناسیونال آمده:

در شهرک پیکان شهر که مجتمع مسکونی کارگران ایران ناسیونال است بخاطر پخش اعلامیه های متعدد و نوشتن شعار بر دیوارها اخیراً از طرف انجمن اسلامی کنترل شدیدی اعمال می شود و به همین منظور بهک گرد همائی در مسجد محل برگزار شد تا به ظاهر از کارگران در مورد وضعیت شهرک نظرخواهی شود. در این جلسه که زنان و مردان کارگر شرکت داشتند، خجسته نمایندند فرمایشی کارگران باستمسک قرار دادن مسالده زدی و اینکه اخیراً در شهرک درز بهای زیادی می شود، پیشنهاد می کنند که درب شهرک را کنترل نمود و درب ماشین رورا با زنجیر بسته و میله های آهنی هم برای رفت و آمد افراد نصب شود و مثل شهرکهای نظامی کارت عبور و کارت ورود و خروج برای افراد و بخصوص مهمانان صادر شود. سپس به کارگران می گوید که پیشنهادات خود را در دفتر که به همین منظور تهیه شده باید داشت کنند. از فردای آنروز میله های آهنی بطوری که فقط یک نفر قادر به عبور از آنست در جلو درب ورودی گذاشته شد و درب اصلی با زنجیر بسته شد و سایر محلهای که به اتوبان راه داشت بسته شده است. جالب اینست که همین خجسته در گرد همائی مسجد عدای از حزب الهی هارا که بخاطر تظاهر و نه فری سبیل الله به مسجد می آیند کوبید و اکثر کارگران با بی تفاوتی و تمسخر از کنار این طرح ضد کارگری گذشتند.

کارگران که تصور میکردند تجمع بخاطر مسائل و مشکلات شهرک است کاملاً متعجب شده بودند. یکی از کارگران می گفت: پدر سنگها انگار همه در هاراد رمون کردن و موند فقط راههارا ببینند. کلیه موارد ارائه شده و بسیاری موارد بقیه در صفحه ۱۵

بررسی

شابه حاکی از ترس رژیم از آگاهی و تشکل کارگران است و بررسی نه‌هفت کارگران در رابطه با جو پلیسی حاکم بر کارخانجات و محلات کارگری نشانگر آنست که اکثر کارگران دیگر موعوب این تاکتیک‌ها نمی‌شوند. ما در بخش مربوط به اشکال مبارزاتی کارگران به این مساله خواهیم پرداخت.

۶- نظر کارگران در مورد انجمن اسلامی و شورای اسلامی در کارخانه‌ها:

اصولاً کارگران این دو ارگان فرمایشی را عوامل رژیم و جدا از خود می‌دانند.

فلسفه ایجاد شوراهای اسلامی، اساساً شیوه‌ای بود که از سوی رژیم برای درهم شکستن شوراهای واقعی کارگران به‌کار گرفته شد و اکنون که این رسالت رانجام داده می‌شود انجام رساله به این ارگان ضرورت وجودی خود را از دست داده است اما انجمن اسلامی

بمشابه ارگان جاسوسی در عین حال سرچ مذهب و تحقیق‌گر کارگران همچنان نقش ایفا می‌کند و این را نیز کارگران به‌خوبی و با پوست و گوشت خود لمس کرده و به آنها

مختلف نفرت خود را از این مزدوران به‌نمایش می‌گذارند: "در سرویس یکی از کارخانه‌ها یکی از کارگران عضو انجمن اسلامی، در حین شوخی حرف‌ریزی زد و دیگری به او اعتراض کرد وقت با این حرف آبروی انجمن اسلامی را بردی. در این موقع یکی از کارگران در جواب گفت مگر انجمن اسلامی آبروی هم داشت که برود و همه کارگران حاضر در سرویس باخند و خودحرف او را تصدیق کردند.

موازی مشاهده شد که نفرت کارگران از انجمن اسلامی، آنان را به‌تأیید ضمنی برخی از حرکات مدبریت و امیدارد. فی‌المثل و بویژه در کارخانجاتی که به‌بخش خصوص بازگشته و دخالت‌های انجمن اسلامی در مدیریت، اختلالاتی پدید می‌آورد و مدبریت دست به

مدد و کسر فعالیت‌های آنان زده و این امر موجب خوشحالی کارگران شده است. این حرکت در سال ۶۳ شدت بیشتری یافته است.

اما انجمن اسلامی برای جلب کارگران شیوه‌های متفاوتی برمیگزیند از جمله در کارخانجات گروه صنعتی رنا به‌مناسبت دهه فجر مسابقه قرآن ترتیب داده شد و عنوان جایزه مسافرت مجانی به مشهد در نظر گرفتند اما استقبال چندانی نشد. از دیگر اقدامات انجمن اسلامی ترتیب نماز ظهر در کارخانجات است که این نیز باور شکستگی کامل مواجه شده است از جمله:

"پارس‌تال - از ۱۵۰ نفر کارگران شیفیت صبح تنها ۲ نفر نماز شرکت کرده بودند که با اعتراض اخوند پیش‌نماز مواجه شد او گفت اگر یک ضد انقلاب اینها ببینند چه می‌شود؟ اما سرانجام به دلیل عدم شرکت کارگران در برنامه‌های نماز، طی ماه گذشته بساط نماز برچیده شد. در مورد شورای اسلامی همچنانکه گفته شد اصولاً برای کارگران این ارگان فرمایشی

یک ارگان وابسته به رژیم مردم است بطوری که بر علیه شوراهای اسلامی حرکاتی نیز صورت گرفته است. فی‌المثل در کارخانه تربیتون اخیراً به‌تقاضای کارگران مجمع عمومی تشکیل کردید و شورای اسلامی شدید. از سوی کارگران مواخذه شد. کارگران می‌گفتند این چگونه شورائی است ما شورا نمی‌خواهیم. اصلاً محدود به فعالیت‌های کارگاه‌های ایرانی آن چیست؟ اعتراض بشورای اسلامی آنچنان شدت گرفت که مدبریت در این جلسه گفت: اگر "شورا" نمی‌خواهید نامه به وزارت صنایع بنویسید و همه اعضا کنیید تا رسیدگی شود.

۷- برخورد کارگران با مراسم فرمایشی رژیم: رژیم تلاش در تدابیرناست‌های مختلف برنامه‌ای تدار کرده و کارگران را با اشکال مختلف فریب دهد. گاه مراسم عزاداری - برای امامان شهیدش ترتیب می‌دهد و گاه سالگرد های مرگ مزدوران و سردمداران سابق رژیم برگزار می‌شود که به نمونه‌هایی اشاره می‌کنیم و برخورد کارگران را نسبت به آن مورد بررسی قرار می‌دهیم:

"پارس‌تال - به‌مناسبت نیمه شعبان مراسمی برگزار شد که ساعت تعویض شیفت بود. کارگران شیفت صبح بی‌اعتنا به حمام رفتند و بیاد ریحوظه و پای سرویسها مجتمع شدند. کارگران شیفت بعد از ظهر ریحوظه نشسته بودند و منتظر پایان مراسم بودند بدین اینکه شرکت کنند.

"پنجا - سالگرد مراسم رجائی و باهنر توسط انجمن اسلامی برگزار شد (۶/۸) که اکثریت کارگران شرکت نکرده بودند.

"سلسل‌سازی - در سخنرانی انصاری به‌مناسبت هفته جنگ تنها ۵۰ نفر شرکت کردند. در طی سخنرانی چند بار اسم خمینی آمد که حدود ۳ نفر تکبیر گفتند. در این مراسم از آنجا که کارگران شرکت کنند می‌خواست رفته بودند محبور شدند با گلاب پاشی آنها را از خواب بیدار کنند و سخنرانی با آبروریزی تمام شد.

"بیسکویت گرجی - ۲۲ بهمن روز چهارشنبه ۱۷/۱۱ / اطلاعیه‌ای از سوی مدبریت صادر شد در مورد اینکه شنبه ۲۰/۱۱ کارگران شیفت بعد از ظهر باید ساعت ۱۲ در کارخانه حاضر باشند. روز شنبه ۲۰/۱۱ ساعت ۱۲ تولید متوقف گردید و کارگران را به مراسم فراخواندند. نماینده امام جمعه شهریار، شهرد ارویخندار و نماینده باصطلاح شهریار در مجلس نیز دعوت شده بودند.

صحبت‌های مدبرچاکی از وحشت رژیم از رشد جنبش‌های کارگری بود او گفت: اخیراً این سازمانده و پس‌مانده گروه‌های چپ دست به اقداماتی زدند و میخواهند کارگران را منحرف کنند. سپس جناب اخوند امام جمعه و بقیه مدعوبین صحبت کردند. یکی از آنها گفت: ما برای نان و رفاه و مسکن انقلاب نکرديم و... در این مراسم سی هزار تومان از دسترنج کارگران صرف تبلیغات و شیرینی و میوه اجاره صندوق ویز امام جمعه شد. کارگران می‌گفتند: اخوند شکش سیر بود عجب داد میزد و "خرش از پل گذشت مورفته

تومجلس‌حالا می‌گه کار بکنین فکر رفاه‌باشید" و "پد رسوخته خجالت نمی‌کشه می‌گه کاروسکن و رفاه را کمونیست‌ها می‌کن" و کارگرد دیگری آمده بود "پس همه کارگرا کمونیست هستند چون همین چیزارو میخوان" دیگری می‌گفت "شکم گنده پرخور شکش سیراست آمده اینجاست چند پات بهما تحویل بده" و...
تعدادی از کارگران از هراس آنها از نیروهای چپ صحبت میکردند. تعدادی اساساً در مراسم شرکت نکردند و تعدادی از شرکت کنندگان هم اصلاً توجهی به صحبتها نداشتند.

در جمع‌بندی از نه‌هفت کارگران و زحمتکشان در زمینه‌های مختلف مساله رشد آگاهی آنان کاملاً مشهود است و انعکاس آنرا میتوان در رشد کیفی مبارزات آنان بر علیه رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی مشاهده کرد.

ما در بخش دوم مقاله که به بررسی اشکال مبارزات کارگران و زحمتکشان اختصاص دارد به این امر خواهیم پرداخت.

مرگ بوجنگ، مرگ بر رژیم

جمهوری اسلامی با شعار برقراری جمهوری دموکراتیک خلق پیوند ارگانیک برقرار کند. هواداران سازمان باید شعار "مرگ بوجنگ، مرگ بر جمهوری اسلامی، برقرار بسازد جمهوری دموکراتیک خلق را به‌تأیید یکی از مهمترین شعارهای تبلیغی وسیعاً به‌مناسبت توده‌ها بیاورند.



بیسکویت گرجی - ۲۲ بهمن روز چهارشنبه ۱۷/۱۱ / اطلاعیه‌ای از سوی مدبریت صادر شد در مورد اینکه شنبه ۲۰/۱۱ کارگران شیفت بعد از ظهر باید ساعت ۱۲ در کارخانه حاضر باشند. روز شنبه ۲۰/۱۱ ساعت ۱۲ تولید متوقف گردید و کارگران را به مراسم فراخواندند. نماینده امام جمعه شهریار، شهرد ارویخندار و نماینده باصطلاح شهریار در مجلس نیز دعوت شده بودند. صحبت‌های مدبرچاکی از وحشت رژیم از رشد جنبش‌های کارگری بود او گفت: اخیراً این سازمانده و پس‌مانده گروه‌های چپ دست به اقداماتی زدند و میخواهند کارگران را منحرف کنند. سپس جناب اخوند امام جمعه و بقیه مدعوبین صحبت کردند. یکی از آنها گفت: ما برای نان و رفاه و مسکن انقلاب نکرديم و... در این مراسم سی هزار تومان از دسترنج کارگران صرف تبلیغات و شیرینی و میوه اجاره صندوق ویز امام جمعه شد. کارگران می‌گفتند: اخوند شکش سیر بود عجب داد میزد و "خرش از پل گذشت مورفته

پیرامون درگیری های ...

سازمان سیاسی بازمی گرد که هیچیک نمی توانند در آرای یک مشی منجم برای پیروزی جنبش باشند . واقعیت این است که در کردستان ، بعلت عقب ماندگی مناسبات تولیدی ، کمیت محدود پرولتاریا و ستمی که سالهاست بر خلق کرد اعمال شده است ، جنبش اساسا " خود به بورژوازی باگرایش شدیدا " ملی شکل گرفته است و نقش طبقه کارگر و رهبری آن در این جنبش بسیار محدود است و بنا به همین علت است که حزب دموکرات و کومله نقش برجسته ای در این جنبش کسب کرده اند . اما هیچیک از این دو سازمان قادر نیست رهبری پیروز - مندانه جنبش را در دست داشته باشد .

این دو سازمان که در آرای جنبش محدود منطقه ای بوده و سازمانهایی باگرایش شدیدا " ملی هستند در شیوه حل مسائل سیاسی ، در برخورد با اختلافات فی مابین نیز دچار این محدود نگری هستند .

درک محدود از مسائل و چشم اندازهای جنبش انقلابی خلق کرد واهد اف محدود این دو نیرو بازتاب عملی خود را در تلاش و طرف برای تحمیل جبری انورته خود بر دیگری آشکار می سازد . توسل به نیروی نظامی و درگیری های خونین و گسترده و حزب دموکرات و کومله خود نمود باورزی از واقعیت های انکارناپذیر دیدگاه ناسیونالیستی و تنگ نظرانه هر دو نیروست . گرایش شدیدا ملی سبب شده است که هیچیک از این دو نیرو نتوانند یکدیگر را تحمل کنند و اختلافات فی مابین را بشیوه اصولی حل کنند . از اینرو پیش از آنکه این درگیری های مسلحانه و خصمانه بازتاب شدت تضاد های طبقاتی و تضاد میان دهقانان مرفه و لایه های میانی و پائینی خود بورژوازی باشد که حزب دموکرات و کومله نمایند " سیاسی آنها محسوب میگردد و بازتاب ناتوانی عملی در رهبری جنبش و بحران رهبری آن است . انکشاف مبارزه طبقاتی در جامعه امروز کردستان از آن - چنان حدت و شدتی برخوردار نیست و تفکیک طبقاتی آنچنان صریح و روشنی در این جنبش صورت نگرفته است که تضاد های طبقاتی الزاما " بیان حدت و شدت خود را در درگیری های قهرآمیز پیدا کنند .

اهداف بلاواسطه این جنبش ها را بنا به شدت عمومی آن و باتوجه به کمیت عظیم اقشار غیرپرولتاری شرکت کننده در آن ، رهائی ملی و پایان دادن به وضعیت اجتماعی ناشی از موجودیت ستم ملی تشکیل می دهد . اهدافی که بیان آشکار و عملی خود را در ابتلای جنبش جنبش هایی به احساسات ناسیونالیستی شیدا تحت عنوان و توجیهی آزومی این یا آن نیرو آشکار می سازد .

از همین رو نیز در شرایط عدم وجود تفکیک طبقاتی آشکار در درون جنبش انقلابی خلق کرد که به لحاظ عینی امری اجتناب ناپذیر است ، اختلافات امروز حزب دموکرات و کومله بیش از آنکه انعکاس قهری و جبری تحولات درونی جنبش انقلابی خلق کرد باشند عظیم تود های و اهداف - رادیکال آن باشند ، بیان کاذب حتمیت تاریخی در ز غنیت محدود امروز آنهاست . این درگیری ها علامت گرایش راست روانه از یکسو و تمایلات ماجراجویانه از سوی دیگر است .

حزب دموکرات با خود داری از مذاکره برای آتش بس به این درگیری ها در امن میزند تا با سلاح کومله را تحت هژمونی خود دهد و کومله نیز در جهت تامین هژمونی خود به سلاح توسل جستجسته است ، بدین آنکه سلاح مورد نظر این یا آن نیرو ، انعکاس و بازتاب قدرت بالفعل اجتماعی معینی در شرایط کنونی باشد و اراده " پختاز مبارزه جاری را نمایندگی کند . اراد مثبت این یا آن سلاحی که امروز دستاورد های مبارزه کنونی را اماج اصلی خود قرار داده است ، بیش از آنکه اراده و واقعی جنبش کنونی باشد ، روحیات عقب مانده و خموده و احساسات خام و برتری طلبانه عقب ماند متترین بخشهای جنبش کنونی است .

امروز دیگر به چکس پوشیده نیست که جنگ حزب دموکرات و کومله با ابعاد گسترده ای که به خود گرفته است و باتوجه به چشم اندازهای متعطل آن نمایند " سیر صعودی جنبش کنونی و ارتقاء ضروری مبارزه طبقاتی جاری در کردستان نیست ، بلکه بیان سیر نزولی و قهقرائی گرایش عقب مانده و اقتضای طبقات میانی و فرسایش درونی آنها و بی کفایتی محتوم آنها در هدایت یک جنبش عمومی است که بجز تضعیف پتانسیل انقلابی جنبش ، تضعیف روحیه مبارزاتی توده های مردم ، تحلیل بدون انرژی پیشمرگان طرفین در یک جنگ فرسایشی و نه پت " ضریات سنگین بر دیگر جنبش خلق کرد در مرحله کنونی مبارزه نخواهد بود . واقعیات تلخ این درگیری ها یکبار دیگر بر همگان آشکار ساخت که احزاب و سازمانهای بورژوازی و خرده بورژوازی ولو با داشتن پایگاه توده ای و تحریک نظامی ، تنها تا قطع معینی می توانند در این جنبش ها نقش برعهده گیرند ، ولسی بهیچوجه نمی توانند چشم انداز پیروزمندی را برای چنین جنبش هایی ترسیم نمایند .

تفوق چنین جریانهایی در جنبش های انقلابی ملیت های تحت ستم ، در شرایط عدم حضور قدرتمند طبقه کارگر و نفوذ سیاسی گسترده " آن مساوی با ضایعات جبران ناپذیری برای این جنبش ها خواهد بود .

امروز دیگر توده خونین درگیری های حزب دموکرات و کومله نه تنها بی کفایتی این جریانها در هدایت جنبش کنونی را

ضرورت آمادگی کارگران برای ...

هواد اران سازمان قرار دارد . آنها باید از هم اکنون در کلیه مراکز و محلات کارگری ، دست به نوشتن شعار و پخش اعلامیه و تراکت در باره تعطیل روز اول ماه مه و دعوت به تظاهرات ضد جنگ بزنند . کارگران پیشرو باید در کارخانه ها ، مجتمع ها و محلات کارگری ، فعالیت سازمان یافته منظم و مستمری را در این زمینه در میان کارگران پیش برند . کارگران پیشرو و کلیه هواد اران سازمان باید علاوه بر تبلیغ شعار " روز اول ماه مه را بیروز تظاهرات علیه جنگ ارتجاعی تبدیل کنیم " با در نظر گرفتن وضعیت که در آن قرار دارند ، گامهای موثری در جهت تحقق عملی این شعار بردارند .

مثلا " مجتمع های مستونی کارگران ، باتوجه ها و مراکز تجمع کارگری ، اردوگاههای آوارگان جنگی و ابتکالیهم می توانند بعنوان مراکزی برای تجمع و آغاز جنبش و تظاهرات روز اول ماه مه در نظر گرفته شود . طبقه کارگر ایران به آن حد از قدرت و توان لازم دست یافته است که روز اول ماه مه به روشی مستقیم و آشکار با رژیم جمهوری اسلامی برخورد .

کودتای ...

قوانین ارتجاعی اسلامی و محاکم شرع در رسد آن هستند . تودها خواستار ادامه مبارزه و برجهده شدن حکومت کودتاچیان هستند . ژنرال رحمان و ارتش ، دولت خود را تشکیل داده و حکومت نظامی برقرار کرده اند . توده های مبارز و تحت ستمی که در جنوب سودان مبارزه می کنند خواستار قبضه قدرت توسط تودها هستند و اعلام داشته اند همچنان به مبارزات خود ادامه خواهند داد . کارگران و زحمتکشان انقلابی سودان تا امروز ۲۳ فروردین (برعزم خود استوارند) آنها میدانند که هرگونه ماشاتی یا کودتاچیان مساوی با از دست دادن تمامی دستاوردهای انقلابی و چشم انداز خفت بارتر از گذشته به دنبال خواهد داشت .

بیش از همیشه و در عین آشکار ساخته است بلکه اهداف پیروزمند آنرا نیز هر روز بیشتر از روز پیش به مخاطره افکنده است .

کمیته های مخفی مقاومت را در هر شهر و روستا ایجاد کنیم

کودتای ...

سقوط با همدستی سرهنگ قدافی طرح یک کودتای چپ را در برون ارتش بهانه قرار داد و به کشتار وسیع کارگران، زحمتکشان، نظامیان ترقی خواه و بویژه سرکوب و حشیمان محراب گونیست و سازمانهای کارگری سودان پرداخت و بدین ترتیب راه را برای اقدامات ارتجاعی خود هموار ساخت.

همین امر موجبات حمایت هرچه بیشتر امپریالیسم و مترجمین منطقه را از رژیم نمیری فراهم آورد. این تغییر تحولات در عین حال باردیگر و با وضوح تمام غیر مارکسیستی و ارتجاعی بودن نظریاتی را ثابت کرد که به تئوری راه رشد غیر سرمایه داری بهره‌بری نیروهای غیرولتری بدل بسته بودند.

سودان بزرگترین کشور قاره آفریقا است که در ساحل دریای سرخ قرار دارد. این کشور از موقعیت استراتژیک ویژه‌ای برخوردار است و برای امپریالیست‌های آرای اهمیت فراوان است. به همین دلیل، کشورهای امپریالیستی طی ۱۶ سال حکومت ارتجاعی جعفر نمیری در سودان، اقدامات فزاینده‌ای را در جهت سرکوب و زحمتکشان سودان را استثمار و سرکوب نماید بلکه به مثابه بازوی نظامی امپریالیست‌ها علیه جنبش‌های انقلابی منطقه نیز بکار رود. طی دوران حکومت ارتجاعی نمیری سودان که خود از کشورهای آفریقایی با منابع ثروت بی‌شمار است در وضعیتی قرار گرفت که مردم آن کشور جز محرومترین خلفهای جهان بحساب آمد و روزانه صد هانفر بخاطر گرسنگی و بیماری در این کشور از پای در می‌آیند.

جعفر نمیری که طی سالهای طولانی حاکمیت خود بر سودان با کلیه رژیم‌های ارتجاعی عرب روابط نزدیکی برقرار کرده بود چندین بار با سایر کشورهای منطقه از قبیل مصر، سوریه و لیبی عقد اتحاد بست. این اتحادها در عین حال که ظاهرًا با اندیشه‌های ناسیونالیستی و بهانه اتحاد ضد صهیون نیستی صورت می‌گرفت در واقع هدفی جز ایجاد هماهنگی سرکوبگرانه علیه مبارزات توده‌ای توسط حاکم کشورهای یاد شده نداشت. آخرین نوع این معاهدات در سال ۱۹۷۶ بین رژیم ارتجاعی نمیری و سادات در آستانه رفتن سادات به اسرائیل اضاء شد که بر اساس آن نیروهای نظامی این دو رژیم در صورت لزوم می‌توانند به یاری یکدیگر بکشند. اعضاء معاهد هائی از قبیل معاهده ۱۹۷۶ به رژیم جعفر نمیری که هیچگونه پایگاهی در میان زحمتکشان سودان

نداشت و از اوج گیری مبارزات توده‌ها در هر اس بود در آرزوی می‌داد که در صورت لزوم نمتنها نیروهای سرکوبگر را اخلاقی بلکه سایه و ولت‌های ارتجاعی منطقه به کمک او بستانند. نارضایتی توده‌های زحمتکش سودان از رژیم جعفر نمیری سابقه بسیار طولانی داشت این رژیم که با سیاستهای خود روز بروز به بحران حاکم بر جامعه سودان می‌افزود، حکومت سرنیزه را بر سر نوشت مردم سودان حاکم کرده و کلیه حقوق زحمتکشان سودان را از آنها سلب نموده بود. مبارزات اقلیت‌های غیر عرب و غیر مسلمان جنوب سودان برای تحقق حق خود مختاری در این کشور حد اقل به اندازۀ «مردم حکومت ننگین جعفر نمیری سابقه دارد. در یک کلام رژیم نمیری، رژیم سرکوب، استثمار و بی‌حقوقی توده‌ها بود. تمام عوامل فوق دست به دست هم دادند تا زمینه را برای بروز یک قیام همگانی علیه رژیم نمیری مهیا سازند. کارگران، زحمتکشان و روشنفکران انقلابی سودان برای مبارزه با این همه قزوقی از دست و پا بیست مبارزات خود را علیه حکومت ارتجاعی جعفر نمیری تشدید کردند. در این میان مبارزات مسلحانه زحمتکشان جنوب سودان که از اواخر سال ۱۹۸۳ در اوج گرفت ضربات زیادی بر نیروهای سرکوبگر رژیم این کشور وارد آورد و عملیات غارتگرانه شرکت‌های امپریالیستی و از جمله یک شرکت نفتی امپریالیست آمریکا را به تعطیل کشاند. بطور همزمان در شمال کشور نیز موج توفند اعتراضات توده‌ها وحشت و نگرانی امپریالیسم جهانی و ارتجاع د اخلی سودان را فراهم آورد. بنا به توضیح امپریالیسم آمریکا رژیم جعفر نمیری را منظور تحقیق توده‌های زحمتکش سودان و منحرف ساختن مبارزات طبقاتی در این کشور توسط سلطه سرکوبگرانه خود، با یک مانور حساب شد. به برقراری جمهوری اسلامی در شمال سودان را اعلام نمود. امپریالیسم آمریکا و رژیم ارتجاعی نمیری امیدوار بودند که با مانور جدید بتوانند مبارزات کارگران و زحمتکشان سودان را منحرف سازند. در این زمان اتفاقا به اسلام در کشورهای تحت سلطه بعنوان تاکتیک جدید برای مقابله با رشد روز افزون مبارزات کارگران و زحمتکشان از طرف امپریالیسم آمریکا در دستور کار قرار گرفته بود و با توجه به نمونه جمهوری اسلامی این نسخه برای زحمتکشان سودان نیز تهیه شد. منتها این بار توسط خود نمیری! با برقراری قوانین اسلامی سودان نیز در هر که کشورهای درآمد که در آن شمشیر و شلاق اسلام به یاری سرمایه‌داران شتافت و سر کرده و بهر زحمتکشان فرود آمد. ولی این نسخه نیز کار ساز نیفتاد. بحران اجتماعی حاکم بر سودان چنان عمیق و تصمیت‌دهنده به تحول در این جامعه چنان محکم بود که نمیری در لباس اسلام و با کمک مترجمین عوام فریب اخوان المسلمین نیز نتوانست جلو

رشد مبارزات توده‌ها را بگیرد. به همین دلیل پس از چندین این مرتجعین نیز قربانی خیانت‌های خود شدند. بحران انقلابی همچنان تعمیق می‌یافت و هر دم بر زرفزای آن افزود می‌شد. دیگر سرکوب سلاح زنگ زد های - بیش نبود. بروز قحطی و گرسنگی نیز بر شدت اوضاع می‌افزود. نمیری در آستانه خیزش اخیر برای جار محوش باز هم به آستان امپریالیسم آمریکا متوسل شده بود و در واشنگتن بسر می‌برد. کارگران و زحمتکشان سودان، با فریاد نان و کار به خیابان‌ها ریختند و علیه قحطی، گرانی و سرکوب شعار دادند. نخستین روزهای خیزش خبر از دستگیری ۱۰۰۰ و ۲۰۰۰ نفره بود. توده‌های خشمگین مراکز دولتی را، آماج قرار دادند و بسیاری از میز بنزین‌ها را آتش زدند و شعار مرگ بر نمیری به همراه اغتشاب عمومی سیاسی از درون همین خیزش بسرعت بیرون جهید. ارتش چندان از مد اخلی ای نگر. همه اخبار درباره سرکوب پلیسی و محاکمه چند صد نفره بود. ارتش وظیفه کودتا را بعهده داشت. نمیری قبل از فرار به آمریکا نزد یکترین دوست خود ژنرال رحمان را به فرماندهی کل ارتش و وزارت دفاع گمارده بود. عملیات سرکوبگرانه پلیس سودان - جلود ارت توده‌های بپاخاسته نبود. تمام نظم حاکم در خطر افتاد بود. توده‌های سودان بطرف سفارت آمریکا راه پیمائی کردند و با گارد محافظ آن درگیر شدند. آمریکا از نمیری قطع امید کرده بود اورا سوار هواپیما به آسمان فرستاد و ژنرال رحمان قبل از آنکه پای نمیری به خاک هیچ کشوری برسد و احتمالاً هنگامیکه هواپیمای حامل او بر فراز آسهای بین المللی در پرواز بود که بمتابه ناچی ملت سودان در صحنه ظاهر شد و اعلام کودتا کرد. رهبر کودتای سودان گفت می‌خواهد حکومت انتقالی ملی مرکب از نظامیان و غیر نظامیان تشکیل دهد و در برابر همبستگی‌های خود سوگند یاد کرد که رفرم‌های انجام دهد. رژیم سودان تغییر نکرد. استعصابت در این کشور در میان سران ارتش دست به دست شده است. نزدیک به یک هفته از این کودتای ارتجاعی که تنها دفتر فرونشاندن خیزش انقلابی توده‌های سودان بود می‌گذرد. بسیاری از رهبران رفرمیست اتحادیه‌های کارگری و صنفی با اضافه رهبران اخوان المسلمین برای کمک به کودتایچیان در منحرف ساختن مبارزات توده‌ها به مذاکره با ژنرال‌ها مشغولند اما اعضا با از سوی ژنرال رحمان بعنوان خیانت بزرگ اعلام شده است. در این مدت کارگران و زحمتکشان انقلابی همچنان به اغتشابات و مبارزات خود بوعزم گرایش‌ها سازشکارانه رهبران رفرمیست اتحادیه‌ها ادامه میدهند. آنها در سپای زند آنها را گشود و زندانیان سیاسی را آزاد کرده‌اند. توده‌ها خواستار برچیدن بقیه رصفحه ۱۶

رژیم جمهوری اسلامی را باید بایک اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه برانداخت



یادداشتهای سیاسی

کودتای امپریالیستی در سودان

مبارزات انقلابی توده‌های سودان که در یکماه اخیر شدت اوچ گرفته بود، سرانجام امپریالیست‌ها و سران ارتش این کشور را مجبور ساخت تا بابت کودتای نظامی جعفر نمیری را برکنار نمود و مبارزات مردم را منحصر صرف نمایند. رهبر کودتا، ژنرال رحمان خود یکی از سران مرتجع ارتش و از نزد یکسری سنیست‌ها و دستیاران نمیری دیدگاترور پیشین این کشور بود.

جعفر نمیری در سال ۱۹۶۹ یعنی سیزده سال پس از استقلال سودان بابت کودتای نظامی زمام امور این کشور را بدست گرفت. او و همپالکی‌هایش مانند دیگر کودتاچیان

حاکم بر بسیاری از کشورهای عرب آن دوره در سایه احساسات شدید پان عربیستی و به دلیل حمایت بی قید و شرط امپریالیسم آمریکا و سایر امپریالیست‌ها از رژیم اشغالگر اسرائیل نخست ظاهراً بطرف کشورهای سوسیالیستی تمایل داشته و آنها را نیز وابستگیترور برقرار نمود. اما در بیری نیاید که رژیم نمیری با نشان دادن ماهیت واقعی خود در تمام زمینه‌های اقتصادی و سیاسی بمثابه یک جریان ارتجاعی، کشور سودان را بسوی وابستگی هرچه بیشتر به کشورهای امپریالیستی سوق داد. البته نمیری برای شدت بخشیدن به این بقیه در صفحه ۱۰۷

پیرامون درگیری‌های حزب دمکرات و کومله

بروز یک رشته درگیری‌های مسلحانه در بیکر میان پیشمردگان حزب دمکرات کردستان ایران و کومله طی فروردین ماه در مناطق بانه، مهاباد و مریوان بار دیگر منجر به شهادت تعدادی از پیشمردگان این حزب و سازمان و زخمی شدن تعدادی دیگر گردید. این درگیری‌های مسلحانه میان این دو سازمان سیاسی کردستان که طی چند ماه اخیر ابعاد گسترده‌ای بخود گرفته است، جنبش انقلابی خلق کرد را که طی شش سال بلاوقته در برابر تعرضات ضد انقلابی رژیم جمهوری اسلامی ایستادگی نمود هاست. با دشواری و ضربات درونی روبرو ساخته است. چرا که ساله امروز تنها بدین واقعیت ختم نمی‌شود که از بد اعتراضات پیشمردگان علیه رژیم بشدت کاسته شده و عملیات نظامی فوق العاده کاهش یافته است بلکه از این مهتر تضعیف درونی این جنبش از طریق ایجاد یک جنگ داخلی است که یک جنگ فرسایشی را به طرفین درگیر در این جنگ تحمیل نموده و نیروهای هر دو طرف را تحلیل می‌برد و از این طریق بروحیه مبارزاتی توده‌های مردم، بویژه بدلیل اهمیت ساله ملی در کردستان که بشدت وحدت طلبانه تاثیرات بسیار نامطلوبی برجای می‌گذارد.

این واقعات آنقدر روشن است که حتی حزب دمکرات و کومله نیز قادر به انکار آن نیستند. هر دو سازمان به نتایج زیانبار این درگیری‌ها اعتراف می‌کنند. اما با این وجود درگیری‌ها بلاوقته ادامه داشته است و هیچیک از طرفین درگیر قادر نیست راه حل قطعی برای پایان بخشیدن به این درگیری‌ها و حل مسائل فی مابین به شیوه سیاسی و مسالمت آمیز ارائه دهد. علت این امر را باید در بحران رهبری جنبش جستجو کرد. واقعیت این است که نه حزب دمکرات و نه کومله علیرغم پایگاه توده‌ای که در میان مردم کردستان دارند قادر به رهبری عملی و پیروزمند جنبش نیستند. علت این مساله به ماهیت طبقاتی این دو بقیه در صفحه ۱۶

**با کمکهای مالی خود
سازمان رایاری رسانید**

پیام همبستگی سازمان میر شیلی به سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بمناسبت پانزدهمین سالگرد رستاخیز سیاهکل

جزئی در ایران، نیروی انقلابی - اجتماعی را پایه‌گذاری کردند که از لحاظ سیاسی مادی و معنوی مسلح گردیده بود تا استراتژی جنبش انقلابی را بوجود آورد. آنها حزبی انقلابی را در نظر داشتند که از توده‌ها برخیزد و پیروان انقلاب را رهبری نماید. امروزه در امریکای لاتین سازمان‌هایی از این قبیل روح آزادخواهی قارمان را علیرغم خودخواهیهای امپریالیسم متحدینش کانالیزه می‌نمایند. با وجود حرکات ضد انقلابی که از جانب امریکای حمایت و تحریک می‌شوند، نیروهای دمکراتیک و انقلابی امریکای مرکزی و شیلی با قاطعیت انقلابی و متحدانه، با دشمن مقابل می‌کنند. نه قدرت اقتصادی و نه قدرت نظامی غول امپریالیسم قادر نخواهد بود که پیرومردمانی را در مان را متوقف کند. امپریالیسم از اینجا گذر نتواند کرد. امروزه در شیلی پس از مدت‌ها رکود طولانی، جنبش توده‌ای کارگران دهقانان، جوانان، بقیه در صفحه ۸

رفقای سازمان چریکهای فدائی خلق ایران! جنبش انقلابی چپ شیلی میر شیلی رودهای رفیقانه خود را بنسبت پانزدهمین سالگرد تاسیس سازمان شما ارسال می‌دارد. تاریخچه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران مانند تاریخچه میر شیلی و تمام سازمانهایی است که در یک مقطع تاریخی با فراگیری تجربیات انقلاب پیروزمند کوبا بوجود آمده است. رهبران ما ارمانهای سوسیالیستی را که برای مدت‌ها در دست بورژوازی و فرمیسم قرار گرفته بود نجات بخشیدند و اعلام نمودند که فقط با انجام یک انقلاب پرولتری است که میتوان بترقی و عدالت اجتماعی دست یافت. فقط در یک جامعه سوسیالیستی است که به مردم اجازه داده می‌شود که آزادانه حقوق اقتصادی، اجتماعی و سیاسی خود را دنبال نمایند. از آن پس "میر شیلی و سازمان چریکهای فدائی خلق ایران تصرف قدرت یعنی سرنگونی قهرآمیز و تبلیغ قدرت توده‌ای بمنظور مقابله با پیرومردمانی را آغاز نمودند. رهبران ما میل انریک در شیلی و بیژن

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق